

ویژه نامه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

اطلاعیه مشترک به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

از مبارزات کارگران برای ساختن جهانی بهتر حمایت می کنیم

اول ماه مه روز جهانی کارگر را به کارگران میهنمان و کارگران و مزد بگیران سراسر جهان تبریک می گوئیم و همبستگی عمیق خود را با مبارزات کارگران برای ساختن دنیایی بهتر و مبتنی بر عدالت اجتماعی و ارزش های انسانی، جهانی عاری از تبعیض، ستم و استثمار اعلام می کنیم.

حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

صفحه ۲

روز همبستگی جهانی کارگران گرامی باد

حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۶ نه بر مبنای سبد هزینه خانوار و تورم اعلام شده (ماده ۴۱ قانون کار)، بلکه بر اساس "شرایط اقتصادی" و "مقتضیات بنگاه های تولیدی و کارفرمایان" بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران و تشکل های مستقل آنان، چند بار زیر خط فقر تعیین گردید. تا هر چه بیشتر بار بحران ساختار سرمایه داری ایران بر دوش کارگران و مزد و حقوق بگیران منتقل شود.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران صفحه ۲۴

چنگاندازی بیشتر رژیم جمهوری اسلامی بر مزد و حقوق کارگران

« سفره کارگران خالی تر می شود »

کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران صفحه ۷

کشتار مخالفین بر آمد سیاسی و ذاتی دولت ها

ناصر زرافشان (سایت عصر نو) صفحه ۱۱

سی و دومین سالگرد جنایت بزرگ رژیم شاه در تپه های اوین

مصاحبه محمد محمدی گرگانی با روزنامه «شرق» صفحه ۱۰

برخورد خشونت آمیز در روز جهانی کارگر با کارگران در سنندج

برگرفته از وب لاگ برگزار کنندگان اول ماه مه ۲۰۰۷ سنندج صفحه ۱۸

قطعنامه اول ماه مه، روز جهانی کارگر

هیات موسسان سندیکاهای کارگری صفحه ۱۵

گزارشی از برگزاری مراسم اول ماه مه در آبخار خور

نشریه دانشجویی بذر صفحه ۱۴

گزارش هایی از مراسم اول ماه مه در تهران

سلام دمکرات، وبلاگ کارگر، وبلاگ ۱۶ آذر ۱۳۸۵، خبرگزاری کار ایران (ایلنا) صفحه ۳ تا ۶

تشکل . مبارزه . پیروزی



روز جهانی کارگر گرامی باد

جوانه های فعالیت سندیکایی در ایران

گفت و گوی دویچه وله با منصور اسانلو

صفحه ۱۷

تلاش های ضد سندیکایی

در حال عقب نشینی است

سندیکای کارگران شرکت واحد تهران

صفحه ۱۷

فراخوان به تمامی آزادی خواهان

و حامیان کارگران

کمپین فعالین جنبش کارگری ایران در خارج از کشور

صفحه ۱۶

مراسم اول ماه مه در پاریس

صفحه ۲۳

مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر

در سیدنی - استرالیا

صفحه ۲۳

مارکسیسم برای قرن ۲۱

به دست آوردن برتری

Paul Cockshott

صفحه ۲۰

موش کور همپنان نقب می زند

Roberto Fineschi

صفحه ۲۱

برگردان ناهید جعفرپور

اطلاعیه مشترک به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

از مبارزات کارگران برای ساختن جهانی بهتر حمایت می کنیم

اول ماه مه روز جهانی کارگر را به کارگران میهنمان و کارگران و مزد بگیران سراسر جهان تبریک می گوئیم و همبستگی عمیق خود را با مبارزات کارگران برای ساختن دنیائی بهتر و مبتنی بر عدالت اجتماعی و ارزش های انسانی، جهانی عاری از تبعیض، ستم و استثمار اعلام می کنیم.

کارگران کشورما امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می روند که کشور ما روزهای دشواری را پشت سر می گذارد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی و کشمکش بر سر برنامه اتمی آن، کشور ما را به طرز بی سابقه ای در سطح بین المللی منزوی ساخته است. تحریم اقتصادی و خطر حمله نظامی بر آن سایه افکنده است و بیش از همه رد پای خود را در گرانی سرسام آور مایحتاج اولیه مردم و قبل از همه کارگران کشور ما بر جای گذاشته است. بیکاری، تورم و گرانی ابعاد بی سابقه ای یافته است و در سایه سیاست های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی و آغاز تحریم های بین المللی ناشی از کشمکش بر سر برنامه اتمی حکومت، بیش از همیشه بر هست و نیست مردم چنگ انداخته است.

کارگران ایران امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می روند که از حق تشکل و حق دفاع از تامین حداقل زندگی در برابر کار خود محروم هستند. تلاش برای احیای فعالیت های سندیکائی هم چنان با بازداشت و سرکوب و اخراج مواجه است. میلیون ها تن از کارگران در زیر خط فقر قرار دارند. حداقل دستمزد اعلام شده از سوی دولت (۱۸۵ هزار تومان) به مراتب از رقم رسمی اعلام شده برای خط فقر (۴۰۰ هزار تومان) و حداقل های لازم برای تامین نیازهای اولیه یک خانواده کارگری پائین تر است. فاجعه این جاست که همین حداقل نیز، مورد اعتراض کارفرمایان و صاحبان سرمایه است. علاوه بر این، کم نیستند کارگرانی که ماه ها و گاه سال ها دستمزد دریافت نکرده اند و روزی نیست که خبری از مبارزات کارگران برای دریافت دستمزدهای عقب افتاده شان در سراسر ایران، در مطبوعات و رسانه های جمعی کشور نباشد.

کارگران کشورما امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می روند که در عین حال، تجارب جدیدی را در مقابله با سیاست های سرکوب حکومت پشت سر گذاشته اند. تلاش کارگران شرکت واحد برای احیای سندیکای مستقل خود و پافشاری بر خواست خود در به رسمیت شناختن آن از سوی دولت و کارفرمایان علیرغم بازداشت ها و اخراج ها با پشتیبانی گسترده نهاد های کارگری بین المللی و نیز فعالین جنبش های اجتماعی در داخل کشور قرار گرفته و سرمشقی برای مبارزات مدنی شده است.

کارگران ایران امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می روند که بازداشت و یا محاکمه فعالان جنبش های اجتماعی در صدر اخبار کشور است. هم اکنون محمود صالحی فعال جنبش کارگری به دلیل شرکت در مراسم اول ماه مه دو سال پیش در شهر سفز دوباره بازداشت شده است و در زندان به سر می برد. فعالان کانون های صنفی معلمان هم چنان در بازداشت به سر می برند.

جرم معلمان بازداشت شده آن است که خواستار اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری شده اند. لایحه ای که پیش تر به تصویب مجلس جمهوری اسلامی نیز رسیده است. اما پاسخ جمهوری اسلامی به آن ها نیز، هم چون فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد، بازداشت و زندان و تشکل پرونده به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» بوده است. فعالان جنبش زنان نیز، طی روز های اخیر به خاطر سازمان دادن یک تظاهرات آرام در اعتراض به محاکمه بازداشت شدگان تجمع روز زن در تهران، به سال ها زندان محکوم شده اند. فعالین دانشجویی هم چنان توسط نیروهای امنیتی بازداشت می شوند و تلاش می شود که دانشگاه ها به جولانگاه نیروهای سرکوب تبدیل شود. مبارزان متعلق به ملیت های مختلف ایران در کردستان، خوزستان، آذربایجان و ... همواره تحت پیگرد قرار دارند و مبارزات مردم این مناطق به شدت سرکوب می شود که اعدام های سیاسی در کردستان و خوزستان، بازداشت های وسیع فعالان جنبش ملی در آذربایجان، از آن جمله است.

ما در آستانه اول ماه مه باردیگر حمایت خود از خواست های کارگران کشورمان را اعلام می داریم و خواستار آن هستیم که:

- آزادی تشکل ها و حق ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری و حق این نهاد ها برای مذاکره بر سر قرارداد های جمعی و تعیین حداقل دستمزها و ... به رسمیت شناخته شود.
- حداقل دستمزد کارگران متناسب با سطح تورم و گرانی تعیین شده و به اجرا گذاشته شود.
- کنوانسیون های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار توسط دولت و کارفرمایان محترم شمرده شود و قوانین و مقررات کار برپایه استانداردهای بین المللی حقوق کار، کنوانسیونهای سازمان بین المللی کار، منشور جهانی حقوق بشر و منشور جهانی حقوق سندیکائی تدوین گردد.
- قراردادهای موقت در مشاغلی که خصلت دائم دارند و قراردادهای سفید امضاء غیر قانونی اعلام گردد.
- برای کارگران بیکار فرصت های شغلی و امکان اشتغال ایجاد شود و بیکاران از تامین اجتماعی مناسب برخوردار گردند.
- به تبعیض جنسی در محیط های کار پایان داده شود و کودکان کار با حمایت همه جانبه به آغوش خانواده باز گردانده شوند.
- فعالان جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی از زندان آزاد شده و پیگرد علیه آن ها با اتهامات واهی از طرف ارگان های امنیتی متوقف گردد.

ما خواستار آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی زندانیان سیاسی و آزادی فعالیت همه احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی، به رسمیت شناختن حقوق دمکراتیک ملیت های ساکن کشور و برابر حقوقی همه آحاد مردم ایران فارغ از مذهب، جنسیت و ملیت یا قومیت آنان هستیم.

بار دیگر جشن اول ماه مه را به کارگران میهنمان تبریک گفته و از تلاش آن ها برای برگزاری هر چه باشکوه تر روز جهانی کارگر پشتیبانی می کنیم.

حزب دمکرات کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

اول ماه مه ۲۰۰۷ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران



گزارش هایی از مراسم اول ماه مه در تهران و درگیری نیروهای سرکوبگر با کارگران

سلام دمکرات:

مراسم اول ماه مه در تهران

شب گذشته کارگران سازمانده به وسیله اس. ام. اس. یاران خود را به گردهمایی در خیابان وصال دعوت کردند تا در ساعت ۸ صبح راهپیمایی خود را به سمت ورزشگاه امجدیه (شیروودی) آغاز کنند.

در ساعت تعیین شده عده زیادی از کارگران نیز در خانه کارگر اجتماع کرده و با دادن شعار و هو کردن سخنرانان مراسم حکومتی را به هم ریختند.

همچنین از طرف دیگر، در ساعت تعیین شده، هزاران کارگر از تشکلات مستقل کارگری در محل قرار حاضر گشتند. همراه با تراکم جمعیت، حدود ساعت هشت و سی دقیقه راهپیمایی آغاز گشت. در طول راه کارگران شعارهای از قبل تعیین شده "قرار داد موقت ملغی باید گردد"، "تشکیلات مستقل حق مسلم ماست"، "کارگران اتحاد، اتحاد"، "وزیر بی کفایت استعفا، استعفا"، "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "خط فقر ۵۰۰ تومن، خط ذلت ۱۳۵ تومن"، "فلسطین را رها کن فکری به حال ما کن" فریاد زده و با ترتیب خاصی که خبر از سازماندهی قوی این تظاهرات می داد حرکت می کردند. تعداد دیگری نیز که توانایی راهپیمایی نداشتند با اتوبوس به سمت شهید شیروودی رفتند. تعداد زیادی از دانشجویان و عده ای از معلمان نیز در صفوف آنها حضور دارند. ایشان، همچنین، در طول راه با تشویق مردم روبرو گشته و تعداد زیادی از رهگذران وارد صفوف آنها گشتند.

مراسم در ورزشگاه امجدیه در ساعت ۹ صبح آغاز گشت. هنوز تعداد زیادی از راهپیمایان به فضای باز ورزشگاه نرسیده بودند که اعضاء "خانه کارگر" حکومتی با تجربه ای که یکساعت قبل از آن اندوخته بودند، برنامه را آغاز کردند و سعی داشتند تا جمعیت زیاد نشده است، آن را به پایان برند. سخنرانی اول را آقای محبوب آغاز کرد که با اعتراض فراوان کارگران حاضر روبرو گشته و نتوانست سخنان خود را به پایان برد. سپس فردی که او را به عنوان نماینده کارگران "ایران خودرو" معرفی کردند صحبت هایی کرد. در طول این سخنرانی نیز کارگران حاضر دست از فریاد شعارهای خود بر نداشتند. بالاخره برگزارکنندگان حکومتی برنامه را پایان یافته اعلام کردند، در صورتیکه هنوز بدنه اصلی کارگران به محل نرسیده بود.

با اعلام پایان مراسم، هزاران نفر از نیروهای انتظامی و پلیس ضد شورش دست به کار شده و سعی در متفرق کردن کارگران حاضر نمودند. اما بسیاری از این کارگران به سمت میدان هفت تیر حرکت کرده و کوشش کردند تا راهپیمایی ای را سازمان دهند. اما به علت برخوردی وحشیانه نیروهای سرکوبگر، بالاخره نزدیک ساعت ۱۱ صبح پراکنده گشتند.

برنامه ها و مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر برای امروز پایان نیافته است و امید می رود که جشن های سازمان داده شده در محل های سرپوشیده، علیرغم مخالفت های غیر رسمی دستگاه های امنیتی با موفقیت هر چه تمامتر اجرا گردند. که در این صورت خبرهای تکمیلی را در ساعات آینده ارسال خواهیم نمود.

تظاهرات تهران به درگیری با نیروهای سرکوبگر کشیده شد:

در حالی که نمایندگان خانه کارگر حکومتی کارگران را از شعار دادن علیه سران حکومت و ادامه راهپیمایی باز می داشتند، حرکت خودجوش کارگران به سوی میدان ۷ تیر با شعارهایی همچون "وزیر بی لیاقت استعفا، استعفا" و "دولت، مجلس؛ شعار نده، عمل کن" و "مرگ بر ظالمین" تبدیل به نمایشی سیاسی گشت. ماموران سرکوب حکومتی که از قبل به صورت آماده باش بوده و مینی بوس های آنها در کوچه های اطراف میدان هفت تیر، دور از چشم مردم نگاهداری می شد، با خشونت تمام وارد عمل گشتند. در این هنگام کارگران با شعارهای "نیروی انتظامی خجالت، خجالت" و "مرگ بر حامی سرمایه دار" به تهاجم نیروهای سرکوبگر پاسخ داده و درگیر گشتند.

بدنه ی اصلی تظاهرات کارگری همچنان در حال حرکت به طرف میدان هفت تیر است به طوری که مسیر شمال به جنوب خیابان مفتاح حد فاصل ۷ تیر تا خیابان طالقانی به طور کامل مسدود و حرکت خودروها متوقف شده است. با این که مسئولان "خانه کارگر" در ساعت ۱۱ صبح مراسم را خاتمه یافته اعلام کرده اند، راهپیمایی کارگران همچنان ادامه داشته و با در نظر گرفتن روحیه جمعی ایشان، زمان پایانی برای آن نمی توان تخمین زد.

هم اکنون نیروهای یگان ویژه رژیم به صحنه آمده و به همراه نیروی های امنیتی - اطلاعاتی لباس شخصی، به کارگران و دیگر افراد شرکت کننده در تظاهرات حمله کرده و دهها نفر را بازداشت کرده اند. در میان بازداشت شدگان چند زن و جوان نیز به چشم می خوردند. همچنین نیروهای سرشناس لباس شخصی در میان جمعیت در میدان هفت تیر و خیابان مفتاح حضور پیدا کرده و اقدام به شناسایی می کنند. □



وبلاگ کارگر:

مراسم سنديکا با دخالت نیرو های امنیتی مواجه شد:

بنا بر قرار قبلی، بنا بود که اعضای هیئت مدیره سندیکاهای کارگری و سندیکای کارگران شرکت واحد مراسمی را به مناسبت اول ماه مه در سالنی در مرکز شهر تهران با حضور مردم و دیگر فعالین کارگری برگزار کنند. اما این مراسم با تهدید نیرو های امنیتی برگزار نشد و در سالن بر روی ۸۰ تا ۱۰۰ نفر از فعالین کارگری حاضر در مراسم بسته شد.

با این وجود اعضای سنديکا و فعالين کارگری در برابر مکان از قبل تعیین شده تجمع کردند. در ادامه، حلقه های چند نفره تشکیل شد و فعالين پیرامون مسائل روز کارگری به خصوص تجمع صبح کارگران در ورزشگاه شیروودی با یکدیگر به تبادل نظر پرداختند. در این میان اعضای سنديکا و دیگر تشکل های کارگری به پخش اعلامیه ها و اخبار کارگری بین مردم پرداختند. حضور کارگران در این مکان موجب کنجکاوی مردم شده بود و آن ها راجع به مسائل مختلف کارگری سوال های خود را مطرح می کردند و حتی در جمع های چند نفره شرکت می کردند.

سرانجام این تجمع بعد از گذشت دو ساعت به پایان رسید. قابل توجه است که از سوی پلیس هیچ گونه برخوردی صورت نگرفت. □ < صفحه ۴

وبلاگ کارگر:

مراسم روز جهانی کارگر در ورزشگاه شیرودی

امروز بنا به اعلام قبلی، جمعی از کارگران در برابر خانه ی کارگر تهران واقع در خیابان مفتاح حضور پیدا کردند تا به سمت ورزشگاه شیرودی حرکت کرده و به جمع کارگران از شهرستان به تهران آمده ی حاضر در ورزشگاه به پیوندند. کارگران سرانجام در حدود ساعت ۸:۴۵ با اتوبوس و همینطور پیاده حرکت خود را آغاز کردند.

کارگران در فضای باز ورودی ورزشگاه شیرودی جمع شدند و اعضای خانه ی کارگر با در اختیار گرفتن تریبون به بیان سخنان سازشکارانه ی خود پرداختند، حرف هایی که دست کمی از عجز و لابه از حکومت سرمایه برای کمی افزایش حقوق نداشت.

اما باید گفت که مراسم در واقع از ساعت ۹:۱۵ با حضور اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و اعضای شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری آغاز شد. اعضای سندیکا با در دست داشتن پلاکاردها و پارچه نویس ها و سر دادن شعار های "سندیکای مستقل حق مسلم ماست"، "سندیکای مستقل احیا باید گردد"، "تشکل و اعتصاب حق مسلم ماست" وارد ورزشگاه شدند و خیل عظیمی از کارگران حاضر در مراسم به صفوف سندیکا و شورای همکاری پیوستند. سپس جمعیت به سمت تریبون حرکت کرد و با شعار "سندیکا سخنران، سندیکا سخنران" و "اسانلو سخنران، اسانلو سخنران" خواستار حضور نمایندگان واقعی طبقه کارگر در پشت تریبون شدند. ولی سخنران مراسم توجهی به خواسته کارگران نکرد. سپس یکی از کارگران ایران خودرو پشت تریبون قرار گرفت و سخنانی درباره مستضعف نبودن کارگر و این که کارگر با عرق جبین خود امرار معاش می کند ایراد کرد که سخنان وی مورد استقبال اکثر حاضرین قرار گرفت.

سخنران بعدی محبوب، دبیر کل خانه ی کارگر بود. به محض بالا رفتن محبوب صدای "هو" ی فضا را پر کرد و محبوب کار دیگری جز تحویل خنده های بلاهت بار نمی توانست انجام دهد. کارگران در حین سخنرانی وی در یک حرکت نمادین به وی پشت کردند و بار دیگر خواستار حضور نماینده واقعی طبقه کارگر برای ایراد سخنرانی شدند. در این میان فریاد های "کارگر زندانی آزاد باید گردد" و "محمود صالحی آزاد باید گردد" مانع از رسیدن سخنرانی دبیر کل خانه "ضد" کارگر شد.

شعار های کارگران شرکت واحد، شورای همکاری و دانشجویان حاضر در مراسم موجب گردید که توده کارگران حاضر در مراسم به طور خود جوش این شعار ها را فریاد بزنند. حتی بلند گو های دستی بعضی از اعضای خانه کارگر شهرستان ها شعار های رادیکال را تکرار می کردند و در ادامه مراسم این توده کارگران بودند که کنترل مراسم را در اختیار خود گرفتند.

کارگران در حدود ساعت ۱۰:۲۰ با شعارهای "کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد" و "کارگر، معلم، اتحاد اتحاد" و همین طور تکرار شعار های قبلی از ورزشگاه خارج شدند و به سمت میدان هفت تیر راهپیمایی کردند. حضور پلیس در خیابان به طرز کم سابقه ای زیاد بود. جمعیت کارگران در حدی بود که به طور کامل خیابان مفتاح مسدود شده بود و سرنشینان ماشین ها و اتوبوس هایی که به سختی از خیابان رد می شدند با کنجکاو جمعیت را نگاه می کردند و با موبایل خود عکس و فیلم می گرفتند. در بالای پل عابر پیاده ی نزدیک ورزشگاه تعداد زیادی از مردم جمع شده بودند و تظاهرات کارگران را نگاه می کردند. بر روی همین پل پارچه نوشته ی بزرگی که بر روی آن نوشته شده بود "کارگر زندانی، محمود صالحی آزاد باید گردد" به چشم می خورد.

کارگران در صفوف فشرده خود به سمت هفت تیر حرکت می کردند و شعار می دادند. پلیس در چند نوبت اقدام به بازداشت کارگران کرد که با واکنش قاطع کارگران مواجه شد و نتوانست کاری انجام دهد. البته شاهدان عینی خبر از بازداشت چند نفر از کارگران - که زنان هم در میان آنان بوده اند- می دهند. با هر چه نزدیک تر شدن جمعیت به سمت میدان، برخورد پلیس نیز شدت می گرفت. به این صورت که تعداد زیادی سرباز به یک باره با باتوم به سمت صف تظاهرات حمله می کردند و در صف فاصله می انداختند. با این وجود کارگران فریاد زنان به میدان هفت تیر رسیدند. با حضور جمعیت در میدان، پلیس در های مترو را بست تا راحت تر بتواند جمعیت را سرکوب کند. سرانجام مدتی بعد از حضور در میدان و سر دادن شعار های پراکنده، کم کم جمعیت پراکنده شدند.



بنا به خبر های رسیده، نیرو های انتظامی و امنیتی در ایستگاه مترو هفت تیر قصد بازداشت منصور اسالو را داشتند اما این مسئله با مقاومت وی و همراهانش مواجه شد و این نیرو ها به دلیل نداشتن حکم رسمی نتوانستند اسانلو را بازداشت کنند.

این تظاهرات نمونه بسیار موفقی در اتحاد میان فعالین کارگری با گرایشات مختلف و پیوند خوردن آن ها با بدنه کارگری بود. □



وبلاگ ۱۶ آذر ۱۳۸۵:

گزارش تجمع کارگران در روز جهانی کارگر

برگزاری مراسم اول ماه می روز جهانی کارگر با حضور چندین هزار نفر از فعالین بخش های مختلف کارگری در ورزشگاه شیرودی برگزار شد. برگزاری این مراسم از ساعت ۸:۳۰ صبح با سخنرانان رسمی دولتی آغاز شد که با اعتراض شدید جمع زیادی از کارگران همراه بود. قابل ذکر است که در این مراسم شاهد حضور فعالین دانشجویی، معلمان و زنان نیز بودیم. این تجمع کارگری تا ۱۰:۳۰ در محوطه داخلی ورزشگاه برگزار شد و پس از آن به داخل خیابانهای اطراف از جمله خیابان مفتاح کشیده شد. جمعیت سه الی چهار هزار نفری تجمع کننده در خیابان، درحین سر دادن شعارهایی از قبیل: مرگ بر حامی سرمایه دار، اعتصاب، تشکل حق مسلم ماست، اعتصاب، سندیکا حق مسلم ماست، کارگر، کارگر اتحاد اتحاد، کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد، معلم به تجمع کارگر خوش آمدی، محمود صالحی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، قرداد موقت، اصول برده داریست، قرداد موقت ملغی باید گردد، وزیر بی لیاقت، استعفا استعفا، ای مردم باغیرت، حمایت حمایت. به سمت میدان هفت تیر حرکت کرد. پلاکاردهایی نیز در حمایت از کارگران بالا رفته بود که می توان به پلاکاردهای بزرگ، کارگران جهان متحد شوید، کارگر دانشجو، معلم، پرستار، اتحاد اتحاد، اشاره کرد.

در سه ساعت و نیم برگزاری این تجمع بزرگ که بسیاری از مردم نیز در خیابان به همراهی با آن پرداختند، شاهد درگیری تجمع کنندگان با نیروهای امنیتی و لباس شخصی که قصد پراکندن تجمع کنندگان و دستگیری عده ای را داشتند، بودیم. هنوز از تعداد بازداشت کنندگان این مراسم اطلاعی در دست نیست ولی بر طبق شهادت حاضرین در این تجمع، دست کم ۱۰ نفر از شرکت کنندگان در این مراسم (که سه نفر از آنها دانشجویان دانشگاه تهران هستند) بازداشت شده اند که احتمالاً آنها را به کلانتری میدان نیلوفر انتقال داده اند. در حال حاضر هنوز اطراف خیابان های منتهی به ورزشگاه، پلیسی می باشد. نادیده نماند تعدادی از نیروهای پلیس با اقدامات خشونت آمیز خود موجبات اذیت و آزار تظاهر کنندگان را ایجاد کرده بودند که با برخوردهای قهر آلود تجمع کنندگان راهی بیمارستان شدند. □

خبرگزاری کار ایران (ایلنا)

برگزاری تظاهرات اول ماه مه در تهران

با وجود تضییقات پیش آمده فراروی برگزاری مراسم روز جهانی کارگر از سوی برخی دستگاه های ذیربط و تاخیر در صدور مجوز، رد پیشنهادات جامعه کارگری در خصوص مکان برگزاری تجمع و مراسم گرامیداشت یازدهم اردیبهشت ماه - روز جهانی کارگر - بیش از ۱۰ هزار تن از کارگران کشور با شرکت در این مراسم ضمن برشمردن مطالبات صنفی خود، از مسوولان خواستند تا پیش از آنکه مشکلات کارگران به بحرانی فراگیر و غیر قابل کنترل تبدیل شود، در راستای حل مشکلات موجود به صورت جدی گام بردارند.



وب لاگ ۱۶ آذر ۱۳۸۵:

فروش کارگران معترض در روز جهانی کارگر

خانه ی کارگر که به خیال خود قصد برگزاری یک مراسم سخنرانی آرام را داشت با خروش صفوف به هم پیوسته ی کارگران و دانشجویان مواجه شد و برنامه خیمه شب بازی اش را وقتی از دست رفته دید که تمامی کارگران فریاد زنان پشت به سخنرانان از ورزشگاه شیرودی خارج شده و وارد خیابان مفتح شدند. کارگران پس از این اقدام معترضان در حالی که شعار می دادند به سمت میدان هفت تیر به راه افتادند. تعدادی از شعار های کارگران بدین قار بود: "کارگر دانشجو اتحاد اتحاد"، "تشکل اعتصاب حق مسلم ماست"، "کارگر معلم اتحاد اتحاد"، "مرگ بر حامی سرمایه دار"، "مجلس قانون گذار سربه سر ما نذار"، "رزمند ی دیروزی شرمند ی امروزی"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "محمود صالحی آزاد باید گردد"، "قرارداد موقت ملغی باید گردد"، "مرگ بر دولت سرمایه دار"، "وزیر بی لیاقت استعفا استعفا"، "مرگ بر جهرمی".

پس از حضور چند هزار نفری کارگران در خیابان مفتح، خیابان کاملاً بسته شد. البته با این حال نیروی انتظامی به فرماندهی سرهنگ همتی معروف (فرمانده سرکوب تمام حرکت های اعتراضی) به ماشین ها فرمان حرکت می داد و بدین وسیله سعی در پراکنده کردن جمعیت داشت. نیروی انتظامی برای ارباب جمعیت چند بار سعی کرد دست به دستگیری های پراکنده ای بزند ولی در نهایت ناپاوری با برخورد شدید و خشمگینانه کارگران رو به رو شد و در این بین چند سرهنگ از جمله همین سرهنگ همتی از ضربات مشت و لگد کارگران بی نصیب نمانده و به داخل جوی آب پرت شدند. در لحظاتی که کارگران با برخورد های خشونت آمیز نیروی انتظامی رو به رو می شدند شعارهایی از این دست سر داده می شد: "نیروی انتظامی خجالت خجالت"، "حکومت زور نمی خوام پلیس مزدور نمی خوام"، "نیروی انتظامی نوبت ما هم میشه" لازم به ذکر است که اولین برخورد خشونت آمیز کارگران با نیرو های حکومتی هنگامی بود که یکی از نیروهای لباس شخصی سعی کرد پلاکارد "کارگران جهان متحد شوید" را پایین بکشد.

در ادامه ی حرکت کارگران به سمت میدان هفت تیر، نیروهای پلیس که برخوردهای قاطع کارگران را دیده بودند، این بار با تعدادی بیشتر و مسلح به سپر و باتوم و تعدادی نیز سوار بر موتورهای کراس قرمز رنگ به خیابان ریختند و سعی کردند سر هر کوچه و خیابان فرعی جمعیت را به بیراهه هل دهند که در این کار ناموفق ماندند و به هر ترتیب که بود جمعیت پس از زد و خورد بسیار خود را به میدان هفت تیر رساند و در آنجا نیز فریاد های اعتراض ادامه پیدا کرد و بدین ترتیب مراسم حکومتی خانه کارگر به مراسمی ضد حکومتی و بر علیه نظام سرمایه داری تبدیل شد که در آن نه تنها کارگران به دلقک های خانه کارگر اجازه سخنرانی ندادند بلکه آنها را به حاشیه رانده و مراسم شان را بر هم زدند و خود پرچم دار اعتراض خود شدند. □



amir.yaghoobali@gmail.com



کارگران به صورت دسته های پراکنده از محل خانه کارگر به سوی استادیوم شهید شیرودی راهپیمایی کردند. این کارگران در طول مسیری که حرکت کردند، با اقبال عمومی مواجه شده و آحاد مردم نیز به آنان پیوسته و همراهی شان کردند. در ادامه و در حالی که بیش از ۴ هزار کارگر خود را به استادیوم شهید شیرودی رسانده بودند، با فریادی یک صدا و در حالی که سید محمد جهرمی، وزیرکار را عامل اصلی مشکلات خود می دانستند، خواستار استعفای هر چه سریعتر وی شدند.

هزاران کارگر از نقاط مختلف کشور خود را برای حضور در مراسم راهپیمایی روز جهانی کارگر به ورزشگاه شهید شیرودی رسانده بودند. استقبال کارگران از این مراسم به حدی بود که با وجود حضور بیش از چهار هزار کارگر در داخل ورزشگاه، تعداد بی شماری از خودروهای حامل کارگران برای حضور در استادیوم در طول مسیر قرار داشت.

در حالی که نمایندگان ارشد کارگری حاضر در مراسم روز جهانی کارگر، از کارگران می خواستند که علیه مسوولان و وزرای دولت شعار ندهند و تنها مطالبات صنفی شان را بخواهند، حدود ۶۰۰ کارگر به صورت خودجوش به سوی میدان ۷ تیر حرکت کرده و شعارهایی همچون "وزیر بی لیاقت استعفا، استعفا" و "دولت، مجلس؛ شعار نده، عمل کن" و "مرگ بر ظالمین" سر دادند. عده ای از کارگران که شعار "مرگ بر حامی سرمایه دار" را سر می دادند، با ماموران نیروی انتظامی درگیر شدند. درگیری نیروی انتظامی با واکنش شدید کارگران رو به رو شد و کارگران با شعار "نیروی انتظامی، خجالت، خجالت" نسبت به این عملکرد نیروی انتظامی عکس العمل نشان دادند. با وجود تلاش های ماموران نیروی انتظامی، کارگران در دسته های ۱۰۰ و ۲۰۰ نفره به سوی میدان هفت تیر در حال حرکت بودند و با شعارهایی همچون "حکومت عدل علی، این همه بی عدالتی"، "کارگر، کارگر، اتحاد، اتحاد" و "کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد" به راهپیمایی خود ادامه دادند. حرکت خودجوش کارگران و شعارهایی که سر می دهند، به گونه ای جو موجود را تحت تاثیر قرار داده بود که بسیاری از آحاد مردم تحت تاثیر شرایط موجود قرار گرفته و کارگران را در این راهپیمایی همراهی کردند.

کارگران شرکت دامداران بروجرد در اعتراض به قراردادهای موقت کار در راهپیمایی روز جهانی کارگر شرکت کردند. این کارگران گفتند: با حقوق ۱۸۰ هزار تومانی چه کنیم، گویا مسوولان تورم، گرانی و مشکلات معیشتی ناشی از کمبود نقدینگی را درک نمی کنند که حقوق را به این اندازه ناچیز تصویب کرده اند. مسوولان با دریافت حقوقهای میلیونی، هیچگاه نمی توانند سفره خالی کارگر را درک کنند. < صفحه ۶

صفحه ۵

اگر ماهی ۳۰۰ هزار تومان به عنوان حقوق بگیریم، تازه می توانیم یک زندگی معمولی داشته باشیم، اما دستمزد ۱۸۰ هزار تومانی یعنی یک زندگی تحقیر آمیز. با حقوق ناچیز می سازیم و سختی را به خود و خانواده مان تحمیل می کنیم، اما با قرارداد موقت که شخصیتمان را زیر سوال می برد، چه کنیم. قرارداد موقت به معنای به رسمیت نشناختن نیروی کار به عنوان انسان کامل است.

یک کارگر شرکت وطن اصفهان که بعد از ۳۳ سال کار بازنشست شده و دو انگشت خود را در حوادث حین کار از دست داده است، گفت: هفت سال است که بازنشسته شده ام، اما درآمدی که بابت بازنشستگی دریافت می کنم کفاف زندگی را نمی دهد، در حال حاضر با داشتن ۷ سر عائله تنها ۲۶۰ هزار تومان دریافتی دارم و به هر مسئولی که مراجعه می کنم و می خواهم که درد مرا بفهمد، گویا که فهمیدن برای مسئولان مشکل است. این مسئولان نه تنها مشکلات ما را حل نمی کنند، بلکه درک هم نمی کنند.

صادقی رییس سابق کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، با اظهار تعجب از عدم صدور مجوز برای تجمع کارگران در مقابل لانه جاسوسی آمریکا گفت: استدلال آقایان این است که سال گذشته به ساحت فلان مقام دولتی توهین شده است. او روز کارگر را در تمامی جهان روز آزادی دانست و گفت: در این روز خواسته های صنفی کارگران بیان می شود. صادقی خطاب به وزیرکار گفت: شما که مدعی رهبری جامعه کارگری هستید، به جای آن که نقطه قوت کارگران باشید، نقطه ضعف آنها شده اید. او افزود: شما که با نیروی کار و تشکلات کارگری آزاد و با پیمان های دسته جمعی مخالفت می کنید و به دنبال تشکیل نهادهای کارگری دستوری هستید، بالاخره تاریخ چهره کریه تان را افشا خواهد کرد. امروز که بحث سهام عدالت مطرح است، با وجودی که کارگران ۴۶ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند، اما سهمشان از این موضوع ۵ درصد است. سهام عدالت کارگران در دولتهای گذشته ۳۳ درصد بوده است.

صادقی با اشاره به توافق تشکلات کارگری با وزیرکار در خصوص اصلاح فصل ششم قانون کار، گفت: در این اصلاحیه تشکیل شورای اسلامی کار مستقل بدون حضور نماینده کارفرما، حذف نظارت استصوابی در شوراهای انتخابات آزاد کارگری لحاظ شده بود و حتی نمایندگان بخش کارگری و کارفرمایی سازمان بین المللی کار هم در آن حضور داشتند. در این اصلاحیه نقش وزارت کار در تشکلات کارگری فقط حق ثبت بود. با آمدن دکتر جهرمی به وزارت کار، قانون کار به زباله دادن تاریخ سپرده شده است و امروز ما شاهد تشکیل نهادهای کارگری دستوری آن هم به اداره یک کارمند دون پایه وزارت کار هستیم. تشکلات دستوری نمی توانند نمایندگان واقعی کارگر باشند، چرا که اگر روزی مجوز راهپیمایی به کارگران ندهند، آنها حرفی برای گفتن ندارند و مطیع روسای خود هستند. حفظ وحدت بسیار مهم است، اما آیا به کارگری که ماههاست حقوق نگرفته، می شود بگویی که شعار وحدت سر دهد. وی توزیع منابع را به معنای اشتغال زایی ندانست و گفت: توزیع منابع تجربه ای شکست خورده است، بنا براین دولت باید در مدیریت منابع فعال باشد.

پیش از آغاز راهپیمایی روز جهانی کارگر، کارگران قزوینی حاضر در ورزشگاه شهید شیرودی همزمان با خروج خود از این مجموعه، تابوتی را حمل می کردند که روی آن را پارچه های مشکلی پوشانده و بر روی این پارچه ها شعارهایی مانند "مرگ کارگر بر اثر قوانین کار" و "جهرمی، جهرمی این آخرین اخطار است" نوشته شده بود.

حضور پرتعداد نمایندگان رسانه های گروهی داخلی و خارجی از حواشی راهپیمایی روز جهانی کارگر بود. علاوه بر خبرنگاران روزنامه ها، خبرگزاری ها و صدا و سیما کشورمان، گروه های خبری از شبکه های تلویزیونی CNN، BBC، الجزیره، الشرقیه، یورو نیوز، CCTV4 و تعداد دیگری از خبرگزاریهای خارجی نیز در راهپیمایی روز جهانی کارگر حضور داشته و این مراسم را پوشش دادند.

گروهی از کارگران که از شهرهای کرج، شهریار، قزوین و زنجان آمده بودند، پلاکاردهایی مبنی بر احقاق حق خود در دست داشتند که با شعار "مرگ بر حامی سرمایه"، خواستار توقف روند خصوصی سازی و حضور سرمایه داران در بخشهای مختلف کارگری شدند.

تعدادی از دانشجویان دانشگاه های تهران و شهرهای مختلف، با حضور در مجموعه ورزشی شهید شیرودی و شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر حمایت خود را از کارگران اعلام کردند.



کارگران شهرهای مختلف مرزی به ویژه مرزهای غربی و جنوب غربی کشور در راهپیمایی روز جهانی کارگر شرکت کرده و خواستار تعلق گرفتن تسهیلات مختلف برای کارگران شدند. این افراد با در دست داشتن پلاکارها و دست نوشته های مختلف، خواسته های خود را عنوان می کردند که مهمترین پلاکار آنها "رزمندگان دیروز، بیچارگان امروز" بود.

۶۸ کارگر قوه پارس قزوین که بالای ۲۲ سال سابقه کار داشته و ۱۰ ماه حقوق، نیمی از عیدی سال ۸۴، کل عیدی سال ۸۵ و بن کارگری را دریافت نکرده اند، در اعتراض به این همه تبعیض، در راهپیمایی روز جهانی کارگر در ورزشگاه شهید شیرودی حاضر شدند. "عباس دهکردی"، نماینده کارگران قوه پارس قزوین، گفت: این شرکت از یارانه دولتی استفاده نمی کند، اعتبار دفترچه بیمه کارگران تمام شده و هزینه های درمان را آزاد می دهیم و هیچ سازمانی هم پاسخگوی مشکلات کارگران نیست. وی درحالی که پلاکاردی با عنوان "این همه ظلم و تبعیض، صاحب زمان به پاخیز"، حمایت از کارگر، دروغ است دروغ است" را نشان می داد، گفت: یک سال و نیم است دنبال احقاق حقوقمان هستیم و به هر مسئول و مرجعی که فکر کنید مراجعه کرده ایم، اما هیچ کس به فریادمان نرسیده است. وی با اشاره به اینکه ۱۲۱ کارگر این شرکت بازنشسته شده اما هنوز سنواتشان را دریافت نکرده اند، گفت: این تعداد کارگر نیز برای دریافت سنواتشان همچنان سرگردانند و نمی دانند چه کسی پاسخگوی آنان است. وی با اشاره به اینکه برق، آب، تلفن و بسیاری از امکانات زندگی این کارگران به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه ها قطع شده است، گفت: اگر تمام مشکلاتمان را بگوییم، آن وقت متوجه می شوید معنای شعار این همه ظلم و تبعیض یعنی چه و چرا از صاحب زمان خواسته ایم که بپاخیزد.

کارگران پادز اینج قزوین، در ورزشگاه شهید شیرودی گفتند: این شرکت که محصولات تولیدی اش قطعات اتوبوس است، ۲۳۰ کارگر قرار دادی دارد که کارفرما با تاخیر شش ماهه حقوقشان را پرداخت می کند. شرکت پادز اینج از نظر تولید و فروش در موقعیت بسیار مناسبی قرار دارد، اما متاسفانه کارفرما فقط به فکر بهره کشی و تضییع حقوق کارگران است.

"فیروز مصطفی" که در کارخانه نساجی فخر ایران واقع در منطقه ساوجبلاغ کار می کند، هنگامی که از تجمع کارگران به سمت میدان هفت تیر می آمد، از پا و کتف مورد حمله عوامل نیروی انتظامی قرار گرفت. وی که تا مدتی پس از ضربه باتوم الکتریکی، در یکی از مراکز درمانی بستری بود، گفت: در لحظه حادثه من تنها در حمایت از منافع کارگران شعار می دادم.

"سیدجواد موسوی" گفت: ما کارگران ضعیف نیستیم و اگر حداقل ۲۷ میلیون بیمه شده تامین اجتماعی دست به دست هم دهیم، هیچ قدرتی نمی تواند جلویمان بایستد، او نبودن امنیت شغلی را مهمترین مشکل کارگران ذکر کرد و گفت: مدیران و سرپرستان در رواج قراردادهای موقت کار دست به دست هم داده اند. جامعه کارگری مخالف پیمانکاری و مخالف روزمزدی است. چرا باید آقازاده ها همیشه آقازاده و کارگران همیشه بدبخت باشند.

به گزارش ایلنا، محمد برنو، عکاس این خبرگزاری که به منظور پوشش تصویری مراسم روز جهانی کارگر در بین کارگران حضور یافته بود، به وسیله ماموران نیروی انتظامی بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار گرفت. ماموران نیروی انتظامی، دوربین عکاسی ایلنا را توقیف کرده و پس از مدتی دوربین را به عکاس ایلنا باز گرداندند، اما حافظه عکس های مراسم را توقیف کردند. □

کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

پنگ اندازی بیشتر (ژیم جمهوری اسلامی بر مزد و حقوق کارگران

« سفره کارگران خالی تر می شود »

در روزهای پایانی اسفندماه گذشته مصوبه شورای عالی کار جمهوری اسلامی که میزان و نحوه محاسبه حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار در سال ۱۳۸۶ را تعیین می کند، به همراه آئین نامه های اجرایی آن از سوی وزارت کار و امور اجتماعی «دولت امام زمان» اعلان گردید. مصوبه اجلاس ۱۶ اسفندماه ۱۳۸۵ شورای عالی کار رژیم که با موافقت سه گروه: سرمایه داران و کارفرمایان، «کارگران» و دولت به تصویب رسید و از سوی جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی رژیم اعلان شده، حداقل دستمزد برای کارگران مشمول قانون کار را در سال ۱۳۸۶ روزانه ۶۱ هزار ریال تعیین کرده است.

بر اساس این مصوبه:

۱- از اول سال ۱۳۸۶ حداقل مزد روزانه با نرخ یکسان برای تمامی کارگران مشمول قانون کار اعم از (قرارداد دائم یا موقت) مبلغ ۶۱۰۰۰ ریال (شصت و یک هزار ریال) تعیین می شود.

۲- از اول سال ۱۳۸۶ سایر سطوح مزدی نیز به میزان روزانه ۱۰ درصد نسبت به آخرین مزد ثابت و یا مبنا (موضوع ماده ۳۶ قانون کار) سال ۱۳۸۵ افزایش می یابد. مشروط بر آن که مزد روزانه هر کارگر از مبلغ ۶۱ هزار ریال مندرج در بند یک کمتر نشود.

۳- به کارگرانی که در سال ۱۳۸۶ دارای یکسال سابقه کار شده و یا یک سال از دریافت آخرین پایه سنواتی آنان گذشته باشد، روزانه مبلغ ۱۲۵۰ ریال به عنوان پایه (سنوات) پرداخت خواهد شد.

تبصره ۱: پرداخت مبلغ مربوط به پایه سنواتی کارگران مشمول طرح های طبقه بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی با در نظر گرفتن رقم فوق الذکر برای گروه یک، با توجه به دستورالعمل و جدول اعلامی توسط اداره کل نظارت بر نظام جبران خدمت صورت می گیرد.

تبصره ۲: به کارگران فصلی به نسبت مدت کارکردشان در سال ۱۳۸۵، میزان مقرر در این بند (یا تبصره یک آن حسب مورد) تعلق خواهد گرفت.

۴- برای تأمین کالاهای موضوع بن کارگری در سال ۱۳۸۶ بابت هر کارگر (اعم از متأهل یا مجرد) ماهانه مبلغ ۱۰۰ هزار ریال توسط کارفرما باید اختصاص یابد که نحوه پرداخت این مبلغ مطابق روال سال گذشته (۱۳۸۵) خواهد بود.

مطلب حاضر تلاش دارد تا در حد امکان سیاستهای ناظر بر تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۶ را مورد بررسی قرار دهد. اما پیش از آن ذکر چند نکته خالی از اهمیت نیست.

اول: مصوبه شورای عالی کار در نحوه و تعیین میزان حداقل دستمزد برای سال ۱۳۸۶ که حتی اعتراض «خودی ها» را نیز موجب گردید و «هزاران حرف و حدیث» آنان را در پی داشت (ایسنا، ۲۶ اسفندماه ۸۵)، پرابهام و قابل تفسیر به رای است. برخی از معترضین حتی جلسات شورای عالی کار را میهمانی میوه خوری اعلام کرده و گفتند «آقایان برای مهمانی و صرف تنقلات گردهم آمده بودند» نه کار کارشناسی برای تعیین حداقل دستمزد (ایلنا، ۲۱ اسفندماه ۸۵). مصوبه و آئین نامه های اجرایی آن، به گونه ای چندپهلوی و پیچیده تنظیم گردیده تا سرمایه داران و دولت با استفاده از آن تا سرحد امکان مبلغ کمتری را به کارگران بپردازند و در مقابل، کارگران به راحتی از چند و چون تعیین حداقل دستمزد سر در نیاورند.

دوم: برخلاف سالهای گذشته آن بخش از حقوق کارگران که به عنوان «مزایای کارگری» شامل بن کارگری، حق عائله مندی و مسکن که در هنگام تعیین حداقل دستمزد معین می گردید، امسال معوق ماند و موضوع مزایای کارگران و افزایش آن به سال جدید موکول گردید. علیرغم آن که درباره آن امور اجتماعی صورت گرفته، اما هنوز رقم قطعی این افزایش مشخص نشده است» (ایسنا، ۲۵ اسفند ۸۵). در همین ارتباط بود که وزیر کار «قول داد»: «در سال آینده اقدامی برای افزایش مزایا صورت دهد». به طوری که «میزان دریافتی کارگران حداقل به ۲۰۰ هزار تومان افزایش یابد» (همان منبع). جهرمی در این باره گفته بود که «برای افزایش میزان مزایای کارگری، باید هماهنگی هایی را با هیات دولت انجام دهد» (همان منبع).

سوم: وزارت کار و امور اجتماعی رژیم و جهرمی وزیر کار آن در جهت اجرای سیاست های ضد کارگری رژیم برای پاک کردن صورت مساله معضل کارگران قرارداد موقت، حداقل دستمزد در سال گذشته را به شیوه دو نرخی یعنی ماهانه ۱۸۰ هزار تومان برای کارگران موقت و ۱۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد برای کارگران دائم تعیین کرد. اما به دلیل اعتراضات سرمایه داران و کارفرمایان و حتی مدیران دولتی و روی داده ها و پیامدهای این مساله و اخراج و بیکارسازی بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کارگران، در نهایت به عقب نشینی وزارت کار از مصوبه شورای عالی کار منجر گردید. حداقل دستمزد ۱۸۰ هزار تومان برای کارگران قرارداد موقت ابتدا به همان مبلغ ۱۵۰ هزار تومان تنزل یافته و در ادامه عقب نشینی وزارت کار به «توافق کارگر و کارفرما» موکول گردید. که حتی برخی همراهان دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی «توافق» فی مابین کارگر و سرمایه دار را «کشک» نامیدند و گفتند که «توافق» یعنی «فیلم». اما شخص وزیر در طی یازده ماه گذشته تا مقطع تعیین حداقل دستمزد برای سال ۱۳۸۶ مدام در رسانه ها و سخنرانی ها اعلام می کرد که ۸۰ درصد کارگران حداقل دستمزد ۱۸۰ هزار تومان را دریافت می کنند. اما در مقطع تشکیل اجلاس شورای عالی کار در روزهای پایانی سال ۱۳۸۵ برای تعیین حداقل دستمزد، در یک پشتک و واروی عجیب و فریبکارانه اعلام کرد که ۷۰ درصد کارگران حداقل دستمزد ۱۵۰ هزار تومانی دریافت می کنند. که صد البته این رقم هم واقعیت ندارد.

انتقال هر چه بیشتر بار بحران بر دوش مزد و حقوق بگیران

مصوبه شورای عالی کار در مورد تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۶ و سیاستهای ناظر بر آن به روشنی انکارناپذیری بیانگر افزایش و گسترش چنگ اندازی این رژیم و سرمایه داران بر مزد و حقوق کارگران و تعرض و تهاجم به سطح معیشت و حق حیات آنان است. این مصوبه بیانگر قصدی است که آگاهانه می کوشد هرچه بیشتر و سنگین تر بار بحران حاد و مزمن و همه جانبه ساختار اقتصادی سرمایه داری ایران و نتایج سیاستهای غلط اقتصادی و به غایت ضد کارگری و ضد مردمی دولت احمدی نژاد را بر دوش کارگران و مزد و حقوق بگیران منتقل کند. تأکید وزیر کار بر این مساله که حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۶ بر اساس «مصالح کارگران» و همچنین «با توجه به مقتضیات بنگاه های تولیدی و کارفرمایان و شرایط اقتصادی جامعه تعیین گردیده» نشانگر همین موضوع است. در شرایطی که بسیاری از نهادهای رسمی رژیم و از جمله مرکز پژوهش های مجلس میزان خط فقر را در سال ۸۲ برای یک خانوار ۵ نفره، ۴۰۰ هزار تومان در شهر تهران اعلام کرده اند و با توجه به میزان تورم اعلام شده از سوی منابع رسمی مانند بانک مرکزی میزان خط فقر در تهران از مرز ۶۰۰ هزار تومان نیز خواهد گذشت. در همین حال کارگران بسیاری در سرتاسر ایران از ۶ ماه تا ۵ سال و یا بیشتر حقوق خود را دریافت نکرده اند. عدم پرداخت حقوق کارگران و معوق گذاشتن آن به سیاست رایج سرمایه داران و کارفرمایان تبدیل شده است و همزمان، در بسیاری از شهرها و مناطق ایران کارگران حقوقی بسیار پائین تر از حداقل دستمزد تعیین شده در سال گذشته و سالهای گذشته دریافت کرده و می کنند.

در شرایطی که نرخ تورم از سوی بانک مرکزی برای سال ۱۳۸۵ برابر ۱۳/۵ درصد و در حالی که بر اساس اعلام مرکز پژوهشهای مجلس، تورم در همین سال برابر ۲۲/۴ درصد اعلام شده است و خود سرمایه داران تورم را ۵۰ درصد «تورم بیش از ۵۰ درصد است» (علی اکبر پور عیسی نماینده کارفرمایان در هیات حل اختلاف وزارت کار، ایلنا، ۲۱ اسفند ماه ۸۵) اعلام می کنند. و در حالی که مرکز پژوهش های مجلس نرخ تورم را در سال ۱۳۸۶ رقم ۲۳/۴ درصد ارزیابی می کند و دیگر منابع رسمی جمهوری اسلامی میزان تورم را در سال جاری حداقل ۴۰ درصد و حتی بالای ۴۰ درصد و تا ۵۰ درصد اعلام می کنند، به خصوص با توجه به افزایش قیمت بنزین از اول خرداد و همچنین رشد سرسام آور نقدینگی که در سال ۱۳۸۵ برابر ۴۵ درصد رشد داشته است و با توجه به سیاست های ماجراجویانه اتمی و موضوع تحریم ایران در ارتباط با پرونده اتمی و در حالیکه «بهای بیش از ۵۰ قلم از کالاهای اساسی نیاز خانوارهای کارگری بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش داشته اند» (ایلنا، ۱۴ اسفند ۱۳۸۵)، تعیین این میزان حداقل حقوق مفهومی جز انتقال هرچه بیشتر بار بحران بر گرده کارگران و مزد و حقوق بگیران ندارد. چرا که در حال حاضر تامین اجاره مسکن در جنوبی ترین نقطه حاشیه تهران حداقل ماهیانه ۱۲۰ هزار تومان است. میانگین قیمت میوه بیش از ۱۵۰ درصد در مقایسه با سال قبل افزایش داشته است. < صفحه ۸

مفهمه ۷

حیوانات بیش از ۱۰۰ درصد، گوشت و مواد گوشتی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است. مقایسه ساده میان حداقل دستمزدهای اعلام شده با قیمت بسیاری از کالاهای مصرفی مانند گوشت و مواد غذایی، پوشاک و اجاره مسکن، خدمات و هزینه‌های پزشکی و دارویی... و افزایش سرسام آور آن‌ها بیانگر صعود روزافزون قیمت‌ها و رشد افسارگسیخته نرخ تورم و فشار دم افزون و دائمی آن بر کرده کارگران و زحمتکشان است.

دیدگاه و سیاست ناظر بر تعیین حداقل دستمزدها، معنا و مفهومی جز دهن کجی به ماده ۴۱ قانون کار رژیم که حداقل دستمزد را بر اساس تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و سبد هزینه خانوار تعیین می‌کند، ندارد و این خود به معنای نفی و مسخ و بی‌اثر کردن قانون کار حتی برای آنان که در دایره شمول این قانون قرار می‌گیرند است. و از سوی دیگر به معنای انتقال هرچه بیشتر بار بحران ساختار اقتصادی و سیاستهای رژیم بر کرده کارگران خواهد بود.

روشن است که امروز بر اساس همین آمار و ارقام اعلام شده از سوی دولت به عنوان بزرگترین سرمایه‌دار کشور، حداقل دستمزد کارگران بارها پایین تر از خط فقر است. و اگر سرمایه داران و تشکل‌های آنان و دولت می‌گویند «اقتصاد کشور تحمل دستمزد بیشتر از ۱۸۳ هزار تومان را ندارد» و «افزایش حتی یک ریال بیشتر از مصوبه شورای عالی کار بر ضد مقتضیات بنگاه‌های تولیدی و کارفرمایان است و یا اینکه حداقل دستمزد با در نظر گرفتن «مصالح کارگران» تعیین شده است، علاوه بر آن که دروغ و دغل بازی است، بیانگر بحران این نظام است که سرمایه داران و دولت می‌خواهند تمام بار آن را بر دوش و کرده کارگران انتقال دهند. نگاهی گذرا به میزان حداقل دستمزد کارگران که در چهار سال گذشته تعیین شده، این دغل بازی و دروغ دولت و سرمایه داران را به خوبی روشن می‌کند.

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۲ شورای عالی کار جمهوری اسلامی تصمیم گرفت تا حداقل دستمزدها را «واقعی» کند به گونه‌ای که ظاهراً فاصله حداقل دستمزد با حداقل سطح معیشت و خط فقر ترمیم شود. یعنی حداقل دستمزد سال ۱۳۵۸ به عنوان مبنای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۳ قرار گیرد. بر این اساس شورای عالی کار رژیم برای سال ۱۳۸۳ حداقل دستمزد را ۲۰۷ هزار تومان ماهانه تعیین کرد. البته حداقل دستمزد قابل پرداخت مبلغ ۱۰۶ هزار تومان اعلام شد. علاوه بر این توافق شد تا با توجه به خلاء یک میلیون ریالی موجود میان حداقل دستمزد و سبد هزینه یک خانوار کارگری (که تعداد متوسط آن از سوی مراجع رسمی اعلام می‌شود) و تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، این مبلغ طی چهارسال، هرسال با افزودن ۲۵ هزار تومان، به مبلغ نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی ترمیم گردد.

در اسفندماه ۱۳۸۳ زمان ترمیم خلاء موجود میان دستمزد و سبد هزینه یک خانوار به ۶ سال افزایش پیدا کرد. خواجه نوری معاون وزیر کار وقت در این باره چنین گفت «در سال جاری (۸۳) به دلیل مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد تثبیت قیمت‌ها، هماهنگی به عمل آمد که این تفاوت طی ۶ سال آینده پرداخت شود» (ایلنا، ۲۶/۱۲/۱۳۸۳). اما این مصوبه به جز سال اول، بعداً اجرا نگردید.

در پایان ۱۳۸۴ طبق گزارش وزارت کار دولت نهم به مجلس شورای اسلامی با عنوان «توجیهات و دیدگاهها راجع به مصوبه حداقل دستمزد ۱۳۸۵ شورای عالی کار» آمده است، بنا بر «گزارش تهیه شده بر اساس معیارهای آماری و اصول علمی، متوسط حداقل سبد هزینه زندگی شامل اقلام مصرفی یک خانوار کارگری در سال ۱۳۸۴ در کشور بالغ بر ۲۶۱۸۱۰ تومان و حداقل مزد در سال ۱۳۸۴ مبلغ ۱۲۲۵۹۲ تومان بود که حداقل مزد مذکور تنها ۴۶/۷ درصد آن را تأمین کرده است. چنانچه سایر اقلام دریاقتی کارگران (بن، حق اولاد و حق مسکن) به حداقل دستمزد مزبور افزوده شوند، مجموع آن‌ها با حداقل مزد، تأمین کننده ۵۷ درصد حداقل معیشت بوده است». یعنی حداقل دستمزد ۴۳ درصد کمتر از میزان حداقل معیشت بوده است. چنانچه حداقل معیشت در سال ۸۴ ثابت فرض شود، حداقل دستمزد برای سال ۱۳۸۵ «بایستی معادل ۲۶۱۸۱۰ تومان تعیین می‌گردید».

مقایسه حداقل دستمزد کارگران که در سال ۱۳۵۸ معادل ۵۶۷ ریال در روز بوده و در سال ۱۳۸۴ به ۴۰۸۶۴ ریال رسیده است، نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن تورم بین سال‌های ۵۸ تا ۸۴، میزان واقعی حداقل دستمزد سال ۱۳۸۴ به رقم ۳۷۸ ریال تنزل پیدا کرده است. چنانچه این ارقام را با شاخص‌ها نمایش دهیم، شاخص حداقل دستمزد «واقعی» بر اساس گزارش

وزارت کار دولت نهم از رقم ۱۰۰ در سال ۵۸ به رقم ۶۷ در سال ۱۳۸۴ رسیده است. که به یقین آمار واقعی بسیار از این ارقام وحشتناکتر است. بر این اساس سرمایه‌داران و دولت هر سال بهای نیروی کار را چند برابر کمتر از ارزش واقعی آن خریدند. یعنی هر سال سفره کارگران خالی تر و تهاجم به حق حیات آنان افزون تر شده است. تازه این در حالی است که دولت و سیاست‌های غلط آن باعث تشدید تورم و موجب ایجاد امواج گرانی می‌گردد. تورم قیمت‌ها در واقع نوعی برداشت و چنگ اندازی غیرمستقیم از مزد و حقوق کارگران است. به واسطه تورم قیمت‌ها، هر ساله و یا هر ماهه به اندازه نرخ تورم از قدرت خرید مزد و حقوق بگیران کاسته و به کیسه سرمایه داران و تجار و دلان و خود دولت (که عرضه کننده بخش زیادی از کالاها و خدمات است) سرازیر می‌گردد. این سیاست‌های رژیم معنایی جز انتقال حداکثر بار بحران ساختار اقتصادی به زندگی کارگران و مزد و حقوق بگیران ندارد.



شورای عالی کار: ترکیب و تغییرات، مضحکه سه جانبه گرایی

ساختار و ترکیب شورای عالی کار، اعضا و نحوه انتخاب آنان از بدو استقرار جمهوری اسلامی به گونه‌ای بوده است که هیچگاه نمایندگان واقعی کارگران و تشکل‌های مستقل آنان نمی‌توانسته‌اند در این شورا حضور یابند. بنا بر ماده ۱۳۶ قانون کار، کلیه نمایندگان رسمی کارگران جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار، هیات‌های تشخیص، هیات‌های حل اختلاف، شورای عالی کار، شورای عالی تأمین اجتماعی و نظایر آن، توسط کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران انتخاب خواهند شد. در تمامی ادوار گذشته جمهوری اسلامی با انتصاب عوامل و عناصر خود، آنان را به عنوان طرف «کارگری» وانمود کرده است. در اوایل انقلاب سیاست‌های ضد کارگری رژیم و تعرض و تهاجم به کارگران با سرکوب و کشتار فعالین کارگری و یورش به تشکل‌های مستقل آنان و انحلال و تلاشی آن تشکل‌ها انجام گرفت. از سالهای ۶۰ تا دوران رفسنجانی و «سازندگی»، خاتمی و «اصلاحات»، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و تشکل‌های دست ساز رژیم در تمام این دوران خود را نمایندگان «کارگری» قلمداد می‌کردند. نقش و کارکرد خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به عنوان تشکل‌های سیاه و ضد کارگری در سالهای گذشته، از یک سو تلاش برای به بیراهه کشاندن و هز بریدن مبارزات و اعتراضات کارگران و جلوگیری از برپایی تشکل‌های مستقل کارگری بوده و از سوی دیگر خود را تنها مدافع کارگران قلمداد کردن با استفاده از رانت قدرت بوده است. این نهادها مستقیم و غیرمستقیم مجری سیاستهای ضد کارگری نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند.

برآمد و گسترش مبارزه کارگران، رسوا و منزوی شدن خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، و همچنین گسترش مناسبات با سازمان جهانی کار موجب گردید تا عناصر تشکل‌های دست ساز وزارت کار دوران اصلاحات به همراه عناصر خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، مشترکاً نقش نمایندگان طرف «کارگری» را به عهده داشته باشند. اما با روی کار آمدن دولت «نظامی - امنیتی» احمدی نژاد و وزارت کار جهرمی فرصت مناسب برای محدود کردن، حذف و کنار گذاشتن این تشکل‌ها که امروز دیگر به کار فریب و تحمیق کارگران نمی‌آیند و جایگزین کردن آنان با تشکل‌های دست ساز وزارت کار دولت نهم فراهم گردید. از همین رو بود که در سال گذشته نمایندگان طرف «کارگری» از میان تشکل‌های «جوامع اسلامی کار».

اشک تمساح سرمایه داران و تشکل های آنان

در حالی که دولت به عنوان بزرگترین سرمایه دار و کارفرمای کشور در تمامی عرصه ها طبقه کارگر را که پراکنده و غیرمتشکل است، مورد تعرض و تهاجم قرار داده است، سرمایه داران هم در جناح های مختلف با اختلافات و تمایزات و راهبردهای متفاوت در غارت و تعرض به طبقه کارگر فرصت را مغتنم شمرده و بر دامنه و شدت این تعرض و تهاجم هرچه بیشترافزوده و می افزایند. مصوبه تعیین حداقل دستمزد کارگران در ۱۳۸۶، آش آنچنان شوری شده است که سرمایه داران و تشکل های آنان با دغل بازی و فریب، اشک تمساح می ریزند و برخی از آنان ناچار می شوند برای کارگران «دلسوزی» کنند.

علی اکبر پور عیسی نماینده کارفرمایان (سرمایه داران) در وزارت کار می گوید: «هنگام بررسی پرونده ها دلم برای کارگران می سوزد. درحالی که آنان باید تورم واقعی آزار دهنده بیش از ۵۰ درصد را تحمل کنند، بنگاه های اقتصادی قادر به پرداخت دستمزدهای بالاتر از ۱۸۳ هزارتومان نیستند» (ایلنا، ۱۱ اسفند ۸۵). عباس وطن پور عضو هیات مدیره سابق کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان می گوید: «در حالی که شکاف اقتصادی میان دو گروه اول و آخر طبقات جامعه ۱۷ برابر است، درآمد کارگر کمتر از نصف حداقل هزینه یک خانوار افزایش می یابد» (همان منبع). هادی غنیمی فرد رئیس هیات مدیره خانه های صنعت و معدن ایران می گوید: «مصوبه ۱۸۳ هزارتومان حداقل دستمزد شورای عالی کار در حالی صادر شده است که هزینه مواد غذایی یک خانواده ۴ نفره با احتساب روزانه ۱۰ هزارتومان، بالغ بر ۳۰۰ هزارتومان در ماه می شود. اما اگر منصفانه هزینه ماهیانه یک خانواده ۴ نفره را محاسبه کنیم می توان نتیجه گرفت که دستمزدهای سال ۱۳۸۶ تا اندازه های واقعی است» (ایلنا، ۱۹ اسفند ۱۳۸۵). محمد عطاردیان رئیس هیات مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان ایران گفت: «مصوبه دستمزد شورای عالی کار تعیین کننده حداقل های قانونی است. هرچند برای کارفرمایان برخی حرف و صنایع، اجرای همین مصوبه هم ناممکن است. اما اگر کارفرمایی می تواند بیش از این به کارگر خود پرداخت کند و رضایت او را جلب کند، راه گفتگوهای دو جانبه و توافق دسته جمعی باز است» (همان منبع). محمد موسوی مسئول اتحادیه تعاونی های گوشتی و فرآورده های گوشتی می گوید: «وقت آن رسیده که دولت برای تأمین هزینه زندگی به کمک کارگران بشتابد. اما در صورت افزایش حتی یک ریال بیشتر از مصوبه شورای عالی کار باعث می گردد که قیمت محصولات تولیدی بیشتر شود و در نتیجه موجب تمایل بیشتر همین کارگران به خرید تولیدات ارزان قیمت خارجی می شود» (ایلنا، ۲۰ اسفندماه ۱۳۸۵).

نظرات رئیس اتاق بازرگانی بیانگر گستره و عمق سیاست های ضدکارگری دولت و سرمایه داران است. علینقی خاموشی نیز که خود را از منتقدان ترکیب شورای عالی کار می داند، می گوید در سال های گذشته حداقل دستمزد را شورای عالی کار با ترکیبی از نماینده خانه کارگر، کارفرمایان و دولت تعیین می کردند. اما امروزه حرف اول و آخر در تعیین حداقل دستمزد را دولت می زند. وی که ادعای دولتی بودن اتاق بازرگانی را رد می کند، قانون کار سابق را پیشرفته تر از قانون کار فعلی می داند و می افزاید که «نباید رئیس شورایی که قرار است دستمزدها را تعیین کند وزیر کار باشد». خاموشی با انتقاد از سبب هزینه خانوار به عنوان مبنایی برای تعیین دستمزدها می گوید: «در قانون کار، برای تعیین دستمزد نیروی کار به دو مقوله تورم و سبب هزینه خانوار اشاره شده، اما این سبب هزینه، برای یک خانوار ۵ نفره است. چرا در حالی که یک کارگر برای کارفرما کار می کند باید دستمزد تأمین هزینه خانواده ۵ نفری اش را دریافت کند. وی خواهان این است که «دستمزدها باید ساعتی محاسبه و پرداخت شود». البته وی معتقد است که «برای جبران مافات و ناتوانی ایجاد اشتغال، از پول نفت به بیکاران بدهید». و علاوه بر این می گوید «بابت تأمین اجتماعی کارگران ۲۰ درصد سهم حق بیمه از کارفرما دریافت می شود. در حالی که تأمین اجتماعی از وظایف دولت است. دولت هزینه های تأمین اجتماعی را بپردازد» (ایلنا، ۱۵ اسفند ۱۳۸۵). خاموشی مدعی است که ارائه طرح «تعریف روابط کار میان کارگر و کارفرما در قالب قرارداد موقت» در مجلس چهارم از سوی وی انجام گرفت و همچنین «با توجه به اینکه ۹۸ درصد از ۴۵۰ هزارکارگاه کشور، کارگاههای کمتر از ۵ نفر است، طرح خروج کارگاههای زیر ۵ نفر از شمول قانون کار را ارائه کرده است، که با ارائه این طرح ها از همان سال ها تا سال ۱۳۸۴ واحدهای کشور آرام شد و تنش ها از بین رفت. اما طی دو سال گذشته این آرامش کمرنگ شده است».

بسیج و باندهای وابسته به دولت احمدی نژاد و شرکای نظامی - امنیتی اش انتصاب شدند تا وظایف خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را با محدود، حذف و کم رنگ کردن این تشکل ها، به تشکل های مورد نظر وزارت کار سپرده شود. به خصوص این که، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در انتخابات ریاست جمهوری گذشته کارگزار رقیب دولت فعلی بودند. منازعه و کشمکش که از بدو ریاست جمهوری احمدی نژاد و وزارت جهرفرمی میان خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار از یک طرف با وزارت کار از طرف دیگر جریان دارد، منجر به انشعاب در خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار گردید. وزارت کار انتخابات کانون عالی شوراهای اسلامی کار را که در ۲۵ آبان ماه سال ۱۳۸۴ در اصفهان برگزار شده نه تنها به رسمیت نشناخت بلکه آن را باطل اعلام کرد و حتی به رای دیوان عدالت اداری رژیم درباره این تشکل ها گردن ننهاد.

علاوه بر این وزارت کار تشکل های «کارگری» دست ساز خود را موازی با کانون عالی شوراهای اسلامی کار برپا کرد. حتی تغییراتی که کانون های شوراهای اسلامی کار استان ها در اساسنامه خود بر مبنای اساسنامه تیپ وزارت کار فراهم کردند و این کانون ها را با تمایلات وزارت کار منطبق ساختند، وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی را راضی نکرد. وزارت کار دولت نهم همچنان بر انحلال کانون عالی شوراهای اسلامی کار اصرار ورزید. از این رو برای هرچه بیشتر محدود و بی اثر کردن تشکل های رقیب، با انتشار بیانیه ای به نام «هیات مؤسس کانون عالی شوراهای انتخاباتی را در ۱۲ بهمن ماه گذشته در «مرکز همایش صدا و سیما» سرهم بندی کند و نهایتاً تشکل دولتی دیگری به نام «کانون عالی شوراهای راه اندازد. با این همه تعدادی از اعضای کانون سابق توانستند به کانون جدید راه یابند. وزارت کار و امور اجتماعی انتخاباتی را که خود برپا کرده و خود اجرا کرده بود مخدوش و آراء مجدداً بازشماری گردید. در نتیجه، رای بعضی افراد تغییر کرد، برخی از انتخاب شدگان به اعضا علی البدل تغییر کردند و برخی از اعضا علی البدل به اعضا اصلی تبدیل شدند.

از میان این جمع طرف «کارگری» در شورای عالی کار انتصاب شدند تا در تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال ۸۶ سیاست های دیکته شده وزارت کار و امور اجتماعی و شخص وزیر را اجرا و وظایف خود را به انجام رسانند. وزارت کار همین سیاست را در قبال تشکل های سرمایه داران و کارفرمایان بکار گرفت. در اسفندماه سال ۱۳۸۴ پس از تعیین حداقل دستمزد ۲ نرخی برای کارگران از سوی وزارت کار و امور اجتماعی، اختلافات میان اتاق بازرگانی، کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان و دیگر تشکل های سرمایه داران و وزارت کار بالا گرفت. از جمله، کانون عالی انجمن های صنفی که ریاست هیات مدیره آن را محمد عطاردیان به عهده داشت از تصمیمات وزارت کار در مورد تعیین حداقل دستمزد برای سال ۸۵ در تضییع حقوق کارگران حمایت همه جانبه کرد. اما در سال ۱۳۸۵، این اختلافات اوج تازه ای گرفت. وزارت کار انتخابات مجمع ۱۰ آبان این کانون و مصوبه های آن را به رسمیت نشناخت و انحلال این تشکل سرمایه داری را اعلام کرد. در ادامه کانون عالی دیگری به نام «کانون عالی کارفرمایان» موازی با کانون قدیم راه اندازی گردید. کانون عالی انجمن های صنفی (قدیم) به دیوان عدالت اداری رژیم شکایت کرده و خواستار رای این دیوان شد. دیوان عدالت اداری مجمع ۱۰ آبان کانون کارفرمایان (قدیم) و مصوبات آن را قانونی اعلام کرد. اما روابط عمومی وزارت کار اعلام کرد تا زمان صدور رای تجدید نظر از سوی دیوان عدالت اداری، رای دادگاه بدوی اجرایی نیست. مشاور وزیر کار گفت «بر اساس قانون، فعالیت کانون انجمن صنفی کارفرمایان جدید ارجحیت دارد» (ایلنا، سوم بهمن ۸۵). در حالی که بنا بر تشخیص دیوان عدالت اداری، هیات مدیره فعلی کانون قدیم نماینده قانونی سرمایه داران بخش خصوصی در مجامع و شوراهای سه جانبه داخلی و خارجی است، وزارت کار «کانون عالی کارفرمایان» را نماینده سرمایه داران دانسته و از شرکت اعضا کانون سابق در شورای عالی کار جلوگیری کرد. از این رو بود که محمد عطاردیان با شکایت وزارت کار به دادرسی عمومی انقلاب احضار شد.

عطاردیان ضمن انتقاد از وزارت کار برای جلوگیری از شرکت نمایندگان هیات مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان ایران (قدیم) در اجلاس شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد سال ۸۶، ضمن پذیرش میزان حداقل دستمزد برای کارگران آن را دارای ایراد قانونی و حقوقی دانست. وی گفت حتی اگر حداقل دستمزد کارشناسانه معین شده باشد، دارای این ایراد است که همگی نمایندگان شورای عالی کار، نمایندگان وزیر کار در این شورا بوده اند و از سوی وی انتصاب شده اند.

سی و دومین سالگرد جنایت بزرگ رژیم شاه در تپه‌های اوین

مصاحبه محمد محمدی گرگانی با روزنامه «شرق»
(۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵):

« - آقای دکتر محمدی سال ۵۴ در ایران حوادثی پیش آمد که به نظر عده‌ای به شدت بر کل تاریخ سیاسی فرهنگی ایران اثر گذاشت، شما در آن سال‌ها زندان بودید، ابتدا می‌خواستیم شرایط و موقعیت آن روز را به صورت خاطره همراه با تحلیل ترسیم کنید.

- با تشکر، اجازه می‌خواهم که دو حادثه مهم سال ۱۳۵۴ را توضیح دهم تا زمینه و بستر تاریخی مسئله روشن شود. حادثه اول: در سال ۵۴ ما در زندان قصر بودیم، سه بند ۴ و ۵ و ۶ به صورت صلیب یا T انگلیسی بود. کادرهای اصلی چریکهای فدائی و سازمان مجاهدین در بند ۶ بودند. از سازمان مجاهدین: رجوی، خیابانی، ذوالنوار، سعادت، علی زرکش، مهدی افتخاری و ... و از چریکهای فدائی: بیژن جزینی، چوپانزاده، حسن ظریف، عزیز سرمدی و ... از حزب مؤتلفه اسلامی: آیت‌الله انواری و مهدی عراقی، از حزب توده: آقای خاوری، از حزب ملل اسلامی: آقای سرحدی زاده، حاجتی کرمانی و کاظم بجنوردی، از گروه فلسطین: آقای شکرالله پاکنژاد و سایر افراد و گروهها. < صفحه ۱۳

۳۰ فروردین مصادف است با سالگرد قتل ۹ تن از زندانیان سیاسی به وسیله رژیم شاه. در فروردین ۱۳۵۴، عوامل ساواک آن رژیم، نه نفر از سرشناس‌ترین و مقاوم‌ترین زندانیان سیاسی، فدائیان خلق: بیژن جزینی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، محمد چوپانزاده، سعید (مشعوف) کلانتری، عزیز سرمدی و احمد جلیل افشار، و مجاهدین خلق: مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالنوار، از زندانهای مختلف جمع‌آوری کرده و در تپه‌های اوین گلوله باران کردند.

با گرامیداشت یاد آن جانباختگان، به منظور ارائه شهادی از وقوع این جنایت بزرگ رژیم پهلوی، و گزارشی از شرایط مبارزات و زندان‌های آن دوره، بخشی از مصاحبه محمد محمدی گرگانی با روزنامه «شرق» (مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵)، که به همین موضوع می‌پردازد، عیناً در پائین نقل می‌شود. محمدی گرگانی در آن سالها در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق در زندان بود و پس از انشعاب ایدئولوژیک در این سازمان در سال ۱۳۵۴، از آن تدریجاً کناره گرفت و به جریان مذهبی و سیاسی زیر نفوذ روحانیون نزدیک شد. وی بعد از انقلاب، در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس انتخاب شد و در حال حاضر به تدریس اشتغال دارد.

« سفره کارگران خالی‌تر می‌شود »

صفحه ۹ <

به نظر نمی‌رسد که سخنان این نمایندگان سرمایه‌داران نیاز به تعبیر و تحلیل داشته باشد. این سخنان و اهداف آنها از یکسو بیانگر تعرض سرمایه‌داران در تپه‌های اوین به دولت به طبقه کارگر در پرداخت هرچه کمتر ارزش نیروی کار، عدم پرداخت و معوق نگاهداشتن حقوق کارگران، لغو و محدود کردن هرچه بیشتر دامنه شمول قانون کار و تأمین اجتماعی و بیمه‌های بیکاری، افزایش شدت استثمار، فراهم کردن و تأمین کارگر ارزان قیمت برای سرمایه‌داری ایران، بدون برخورداری از بیمه‌های اجتماعی، بازنشستگی و بیمه بیکاری، بی هیچ امنیت شغلی و خلاصه، تهیه بردگانی مطیع برای سرمایه‌داران است. از سوی دیگر بیانگر عمق، شدت و حدت بحران این ساختار است. به عبارت دیگر با همه آنچه که خوان یغمای فراهم شده از سوی رژیم برای آنان چه در بودجه ۱۳۸۶ تحت سیاست‌های پولی و مالی، سیاست خصوصی‌سازی (خودمانی‌سازی) و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، و چه واگذاری وام‌های کم بهره، اعطای تسهیلات بلاعوض و پرداخت یارانه‌های دیگر که در اختیار سرمایه‌داران قرار می‌گیرد، آنان را راضی نمی‌کند و از دامنه شدت و حدت بحران نمی‌کاهد، بحرانی که رکود مزمن از عوارض بارز آن است.

تشکلهای کارگری مستقل ومبارزه برای افزایش حداقل دستمزد

تشکل های کارگری مانند سندیکای شرکت واحد، هیات موسسان سندیکاهای کارگری، کمیته هماهنگی و کمیته پیگیری اتحاد کمیته‌های کارگری، نسبت به میزان و نحوه تعیین حداقل دستمزد و سیاست‌های ناظر بر آن اعتراض و انتقاد کرده‌اند. سندیکای کارگران شرکت واحد طی انتشار بیانیه‌ای در تاریخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۸۵ با شعار «زندگی شایسته حق مسلم ماست!» ضمن اعتراض به حداقل دستمزد سال ۱۳۸۶ اعلام کرد:

۱- طبق ماده ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد کارگران باید هزینه زندگی یک خانوار کارگری شامل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش و دیگر نیازهای ضروری یک زندگی عادی را تأمین کند.

۲- بنا بر اعلام مقامات رسمی مربوطه، خط فقر برای سال ۱۳۸۴ ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان اعلام شده است، بنابراین عموم کارگران و دیگر دستمزد بگیران در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

۳- بنا به گفته مقامات اقتصادی، شکاف طبقاتی در ایران در حال گسترش و افزایش است. کارگران و دیگر دستمزد بگیران بیشترین سهم منفی را از این شرایط باید تحمل نمایند.

۴- بنا بر اخبار اقتصادی منتشره در رسانه‌ها، در سال ۱۳۸۶ تورم و گرانی بازم افزایش خواهد یافت و مجدداً دستمزد بگیران، به ویژه کارگران، باید بار زندگی سخت‌تری را به دوش بکشند.

۵- ادعای وزیر کار و دیگر مسئولان مبنی بر این که در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت ساز عمومی کارگری که تعیین حداقل دستمزد از مهم‌ترین آن‌ها

است، نماینده کارگران حضور داشته و به همراه نمایندگان کارفرمایان و دولت اصل سه جانبه‌گرایی رعایت گردیده است. به دلیل عدم رعایت استانداردهای حقوق کارگری و مغایرت کامل قانون شوراهای اسلامی کار با حق آزادی انتخاب نمایندگان واقعی کارگران و مغایرت فاحش این قانون با مقوله نامه ۸۷ سازمان بین‌المللی کار و اصل ۲۶ قانون اساسی به هیچوجه حقیقت نداشته و ادعای رعایت سه جانبه‌گرایی کاملاً خلاف واقع است.»

ضرورت مبارزه برای افزایش دستمزد و پرداخت بموقع آن

تعرض مستقیم به مزد و حقوق کارگران و عدم پرداخت مزد واقعی و معوق گذاشتن و نپرداختن حقوق کارگران یکی از عرصه‌های اصلی تهاجم به زندگی و سطح معیشت آنان بوده است. این امر تا کنون از یک سو با ترفندهای جنگ، سازندگی، اعمال سیاست‌های نئولیبرالی و تعدیل اقتصادی، بازسازی و نوسازی ساختار صنایع و ... صورت گرفته است. از سوی دیگر با لغو و محدود کردن دایره شمول قانون کار، حذف اشتغال دایم و به کارگیری قراردادهای موقت و پیمانکاری در کارهایی که خصلت دائمی دارند، تحدید دامنه برخورداری کارگران از بیمه‌های تأمین اجتماعی، بیکاری و بازنشستگی گسترش یافته است.

مبارزه برای افزایش دستمزد در شرایطی که حداقل دستمزد چند برابر زیر خط فقر تعیین شده و هیچ گونه تناسبی با تورم و گرانی سرسام‌آور موجود ندارد، و علیرغم آن که افزایش مختصر و ناچیز دستمزدها و حقوق و مستمری بازنشستگان بلافاصله با امواج جدید گرانی بلعیده می‌شود و اثرات خانمان بر انداز تورم بر مزد و حقوق بگیران و اقشار متوسط جامعه همچنان گسترش می‌یابد و شکاف‌های اقتصادی عمیق می‌شوند، ضرورتی بسیار پراهمیت و انکارناپذیر است. این مبارزه نه تنها برای ادامه حیات است بلکه کارگران را آموزش می‌دهد و سازماندهی، متشکل و آماده عقب راندن سرمایه‌داران و دولت حامی آنان می‌کند.

آن چه بدان اشاره رفت، علاوه بر آن که اهداف و سیاست‌های ضد کارگری «دولت امام زمان» و وزارت کار و امور اجتماعی و سرمایه‌داران را به وضوح برای تأمین امنیت سرمایه و منافع سرمایه‌داران، لغو امنیت شغلی کارگران و فراهم آوردن کارگر ارزان و بدون برخورداری از کمترین حقوق و بیمه‌های تأمین اجتماعی، بیکاری و بازنشستگی و انتقال هرچه بیشتر بار بحران این نظام بر دوش کارگران نشان می‌دهد. اما مهم‌تر از آن، بیانگر آن است که این سیاست‌ها هیچگاه به خودی خود متوقف نخواهد شد. تجربه ۲۸ سال گذشته نشان می‌دهد که این تعرضات به گونه‌ای دم‌افزون گسترش یافته‌اند. امروز تحقق خواست کارگران نیازمند جنبش سازمان یافته، آگاهانه و سراسری کارگران ایران است. متوقف کردن سیاست‌های ضدکارگری و تعرضات سرمایه‌داران و دولت جمهوری اسلامی نیازمند چنین جنبشی است که مبارزه برای افزایش دستمزد و پرداخت به موقع حقوق کارگران یکی از عرصه‌های آن است. به یقین این مهم بدون ایجاد و گسترش تشکل‌های مستقل کارگران دست یافتنی نخواهد بود. اردیبهشت ۱۳۸۶ □

بر گرفته از سایت عصر نو

کشتار مخالفین

برآمد سیاسی و ذاتی دولتها

ناصر زرافشان

در روز ۲۹ فروردین ۱۳۵۴ آدمکشان رژیم پهلوی ۷ تن از پیشگامان جنبش فدائی و دو تن از اعضای برجسته سازمان مجاهدین خلق را که همه آنها قبلا به وسیله خود آن رژیم محاکمه و به زندان محکوم شده بودند و سرگرم گذراندن دوره زندان خود بودند، دست بسته و چشم بسته به تپه های اوین منتقل و در آن جا آنان را تیرباران کردند.

بهمن نادری (تهرانی) سربازجوی ساواک، ضمن توضیحات خود پس از دستگیری در سال ۵۸ اظهار داشت، صبح همان روز به دستور رضا عطاپور (حسین زاده) کاظم ذوالانوار را که در زندان قصر بود به اوین منتقل ساخته است که هشت نفر دیگر در آنجا زندانی بودند و پس از فراهم شدن مقدمات، آدمکشان حدود دو و نیم بعد از ظهر، با کمال خونسردی ناهار را در رستوران هتل امریکا صرف کرده و برای کشتار عازم اوین می شوند. دو نفر از آنان مامور می شوند زندانیان را از اوین تحویل گرفته و به بالای تپه ها ببرند. آنان بیژن جزنی، حسن ضیا ظریفی، عباس سورکی، محمد چوپان زاده، عزیز سرمدی، مشعوف کلانتری، احمد جلیل افشار، کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل را از اوین تحویل می گیرند و آنان را با مینی بوس به تپه های مشرف به زندان اوین می برند و دیگران نیز همراه سرهنگ وزیر (رئیس زندان اوین) به دنبال مینی بوس به محل می روند. زندانیان را از مینی بوس پیاده کرده و روی زمین می نشانند. فریاد اعتراض بیژن جزنی که بیش از دیگران به نیت شوم آدمکشان پی برده است با فریادها و اعتراضات چند نفر دیگر دنبال می شود. دژخیمان به نوبت زندانیان را به رگبار می بندند و پس از آن که "سعدی جلیل اصفهانی" به یکایک آن ها تیر خلاص شلیک می کند، نادری و ناصر نودری (رسولی) چشم بندها را می سوزانند و اجساد شهدا را به داخل همان مینی بوس منتقل و حسینی و رسولی اجساد را به بیمارستان ۵۰۱ ارتش منتقل و در آگهی کوتاهی در روزنامه ها اعلام می کنند ۹ زندانی در حال فرار از زندان کشته شدند.

جنایت چنان تکان دهنده، بهت آور و نفرت انگیز است که هنوز هم یادآوری آن، در لحظات اول، توانائی هرگونه بحث تحلیلی پیرامون آن را از انسان سلب می کند: کشتار فرزندان مردم به دست خود دولت، یعنی دستگاهی که باید حافظ جان و مال مردم باشد، دستگاهی که به موجب تعاریف لیبرالی، امین و حافظ جان و مال مردم معرفی می شود، خود مسلحانه دست به کشتار کسانی از مردم زده است، آن هم نه مردم عادی که امکان مقابله و دفاع از خود را داشته باشند، بلکه کسانی که چشم بسته و دست بسته در اسارت و در اختیار آن بوده اند، یعنی به یک معنا امانت هائی که مسئولیت محافظت از جان آن ها دیگر بر عهده خودشان نیست، زیرا آزادی آنان سلب شده است و دولت که بنا به تعاریف و فرضیات حقوقی بورژوائی موقتا و برای مدتی آزادی آن ها را سلب کرده و بنا به همان قواعد و فرضیات مسئول حفظ جان آن ها هم هست، خود اکنون با سلاح گرم، این امانت چشم بسته و دست بسته را به قتل رسانده است. واقعیت دولت در جامعه ما این است.

اما پیش از هر کنکاشی تحلیلی در باره این واقعه، جا دارد اکنون که با گذشت چند دهه و نشستن غبار فراموشی بر روی برخی رویدادها، برخی پسمانده های رژیم گذشته گمان کرده اند آن رژیم تطهیر شده و خواب احیای آن را می بینند، در سالروز این جنایت فراموش نشدنی، با یادآوری و بررسی جوانب گوناگون آن به عنوان نمونه ای از طرز برخورد آن رژیم با جنبش های حق طلبانه مردم، به برخی فراموشکاران یادآوری شود که در آن روزگار نیز، بر جامعه و مردم چه می گذشت.

از طرف دیگر، سالگرد این جنایت فجیع مناسبتی است برای اینکه به ویژه به بررسی برخی مواضع و دیدگاه های دمکراسی لیبرالی و کسانی که با نگرش لیبرالی از حقوق بشر دفاع می کنند و هواداران لیبرال منش حقوق بشر بپردازیم. کسانی که فقط بر جنبه جنایت آمیز این رویداد به عنوان کشتار بدون دادرسی و دادگاه زندانیان بی دفاع تاکید می کنند و از آن <

فراتر نمی روند. گرچه همین جنبه خاص ماجرا هم آن قدر فجیع است که اگر مستقلا مورد بررسی قرار گیرد و به تنهائی ماهیت رژیم بی اصل را برملا می کند که به هیچ چیز - حتی قوانین خود - پای بند نیست، اما وقتی زندانی که به این ترتیب به قتل می رسد، زندانی سیاسی باشد، صورت مسئله به همین سادگی نیست و مضمون و ماهیت موضوع پیچیده تر و ریشه دارتر از این حرف ها است. اگر رژیمی یک فرد عادی را که مرتکب جرمی شده و حکم مدت معینی زندان برای او صادر شده است، در زندان به قتل برساند، با چنین موردی روبرو هستیم و چنین نگاهی به قضیه طبیعی است؛ زیرا این نگاه زندانی شدن قربانی را توجیه شده می انگارد و تنها به این اعتراض دارد که چرا او که باید مدت زندان خود را گذرانده و آزاد شده باشد، بی دفاع و چشم بسته به قتل رسیده است.

اما در مورد قتل زندانیان سیاسی، این نوع برخورد با موضوع، تلویحا نوعی برسمیت شناختن دادرسی و دادگاه رژیمی است که خود از لحاظ سیاسی از اساس نامشروع است. به رسمیت شناختن تلویحی نظام قضائی یک رژیم نامشروع جدا از ماهیت سیاسی آن است. چنین نگاهی ریشه در تفکر لیبرالی دارد.

شیوع این طرز تلقی ناشی از رواج نگرش لیبرالی به دولت و ماهیت آن، و باورهای موهومی است که طی دو دهه اخیر از نو پیرامون دمکراسی لیبرالی و قانونمداری ترویج و موجب شده است این حوادث، استثنای بر اصل معرفی و موضوع به سطح قضائی و بحث های حقوق بشری تنزل یابد. حال آن که چنین رویدادهائی را باید به عنوان برآمدهای سیاسی و ذاتی این دولت ها در نظر گرفت، نه اتفاقات عرضی و خارج از روال جاری عملکرد آن ها.

درست همین عملکرد، منتها در مقیاس خیلی بزرگتر، در سال ۶۷ در جمهوری اسلامی تکرار شد. کشتار زندانیان سیاسی که قبلا برای آن ها حکم زندان صادر شده بود و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند. رژیم جمهوری اسلامی زندانیانی را که خود مدت محکومیت معینی برای آنها تعیین کرده بود و بسیاری از آن ها این دوره محکومیت را هم طی کرده بودند، در زندان به قتل رساند.

در این حالت با زندانی و موقعیت و حقوق قانونی او در مدت تحمل زندان سرو کار نداریم. این ها زندانی نیستند، مخالفان سیاسی به گروگان گرفته شده ای هستند که هر لحظه امکان قتل آن ها وجود دارد، و بحث، بحث مجازات و زندان نیست، بلکه واقعیت موضوع گروگان گیری سیاسی مخالفین است تا نظام حاکم در آینده، برحسب شرایطی که پیش می آید، در تصفیه حساب های سیاسی خود با مخالفانش از آن ها استفاده کند.

در فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷، حتی برخی از کسانی را هم که دوران زندان خود را سپری کرده و آزاد شده بودند، مجددا از بیرون دستگیر کرده، به زندان آوردند و همرا با زندانیان به قتل رساندند. این طرز عمل هر نوع ابهامی را از بین می برد و راه خود را بر هرگونه تحلیلی در زمینه ماهیت این گونه حاکمیت ها می بندند.

در قتل گروه جزنی و هم بندان مجاهد آن ها، آیا اگر این قتل ها پس از یک دادگاه نمایشی مجدد و صدور حکم اعدام برای این جانباختگان صورت گرفته بود، آیا در ماهیت موضوع چیزی را تغییر می داد؟

فراموش نکنیم که برای آن رژیم برگزاری یک دادگاه نمایشی دیگر و محکومیت آنان به اعدام هم با دادگاه های نظامی رژیم که ماهیت آن ها را خوب می شناسیم نیز کاری دشوار نبود. مگر چنین "دادرسی" هائی که طی دهه های گذشته فراوان با آن ها روبرو بوده ایم چه ارزشی داشتند، مگر میان این کشتار با کشتاری که می توانست پس از برگزاری یک دادگاه نمایشی و فرمایشی صورت گیرد که هیچگونه مشروعیت و قدرت تصمیم گیری مستقل در آن وجود ندارد، چه تفاوتی وجود داشت؟

پس عمق فاجعه در بی شرمی و صحنه سازی و دروغ پردازی حاکمیتی نیست که زندانی اسیر را بی توجیه قانونی به قتل رسانده و به جامعه و مردم دروغ گفته است، بلکه در ماهیت ضد مردمی رژیمی است که بقای آن در گرو قتل و کشتار فرزندان نخبه خلق است. بحث در باره خود کشتارها است، نه دروغگوئی و صحنه سازی های رژیم راجع به آن ها؛ گرچه همین امر معین یعنی نوع شیادانه حکومت با قتل هائی که مرتکب شده است نیز دنائت آن را به خوبی برملا می کند.

وقتی کسانی به تفاوت میان قتل بدون دادرسی و دادگاه و کشتار پس از دادرسی و دادگاه پربها می دهند، معنایش این است برای دستگاه های قضائی و دادگاه وجود و استقلال قائل اند؛ <

مفهوم ۱۱

اما وقتی در نتیجه شناختی که از نظام قضائی در چنین رژیم هائی داریم می دانیم عملاً چنین وجود و استقلالی در آن دستگاه وجود ندارد و معنایش این است که قتل بدون دادرسی و دادگاه و کشتاری که این گونه رژیم ها با پوشش دادگاه های خود می کنند تفاوتی وجود ندارد و هر دو ماهیتاً کشتار مخالفان است یکی با تشریفات، دیگری بدون تشریفات. این جا است که با رها کردن مجردات ذهنی و مفروضات انتزاعی و نظری و توجه به واقعیات مشخص و عینی جامعه، فاصله عظیم میان این واقعیات و مفروضات ذهنی لیبرال دمکراسی برملا می شود.

از این منظر کشتار ۲۹ فروردین زندانیان سیاسی، اعدام های سال های پس از کودتا، اعدام های دهه های چهل و پنجاه در رژیم پهلوی و اعدام های دهه شصت؛ قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و قتل های زنجیره ای و قتل ها و ترورهای دیگر که به وسیله جمهوری اسلامی صورت گرفته همه ماهیت یکسان دارند: کشتار کسانی که حکومت اقلیتی را که بر سرکوب و غارت اکثریت استوار است نمی پذیرند و در برابر آن مقاومت می کنند.

اما برای برخی مشکل در این جا است که تعریفی که لیبرالیسم از دولت، ماهیت دولت و عملکردهای آن به دست می دهد، با این واقعیات تضاد دارد. از این رو آنان که به نظریه های سیاسی و حقوقی لیبرالی پر بها می دهند، ناگزیرند این واقعیت ها را رویدادهای عرضی، خاص، استثنائی و آسیب های نظام حاکمه به شمار آورند، نه عملکرد آن. اما قدرتی که جدای از اکثریت جامعه یعنی مردم، و خارج از نظارت آن ها شکل گیرد یک بلوک واحد است با سیاست واحد و منافع مشخص و واحد و تصور تفکیک قوا در آن، و وجود نیروئی مستقل در کنار آن که این قدرت را مهار و از قانون شکنی آن جلوگیری کند، توهمی بیش نیست. این گفته را با واقعیات عملی حاکمیت در رژیم پهلوی، با واقعیت جاری در جمهوری اسلامی، و با واقعیت عملکرد هر یک از دولت های دیگری که در همین رابطه بر سر قدرت هستند محک بزنید، زیرا برای دریافت صحت و سقم این نظرات معیاری برتر از واقعیت عملی نیست.

حتی در بزرگترین "لیبرال دمکراسی" جهان، در امریکا درست در همین لحظه ای که این سطور بر روی کاغذ می آید، رسوائی تصفیه سیاسی در دستگاه قضائی این کشور، بحث روز است. مسئله مفقود شدن پنج میلیون ای - میل "کارکنان کاخ سفید" و تصفیه گروهی از دادستان های امریکا به وسیله آلبرتو گونزالس، وزیر دادگستری و دوست نزدیک جرج بوش، دهن کجی تازه ای است به توهم استقلال نهاد قضا در برابر قدرت حاکم. اما طی دو دهه اخیر و با رونق بازار نظرات و روش های لیبرالی، این موهومات هم جان تازه ای گرفته و معتقدان و هواداران بیشتری یافته است.

در عصر فئودال که مذهب شکل مسلط ایدئولوژی اجتماعی بود، شرع، کشتار مخالفان نظام مسلط را توجیه می کرد و فقه، به جای حقوق، و حکام شرع به جای قضات عمل می کردند. انقلاب فرانسه و نظام اقتصادی - اجتماعی تازه ای که با این انقلاب ابتدا بر فرانسه، سپس اروپا و بعد به تدریج به جهان استیلا یافت، با خود انبوهی از نظریه سیاسی و حقوقی را به ویژه در مورد حقوق فرد در برابر حاکمیت به همراه آورد، آن ها را جایگزین نظریات الهی کرد و به این ترتیب حقوق و سیاست به شکل های مسلط ایدئولوژی اجتماعی برای توجیه نظام جدید تبدیل شد. اما این نظریه های سیاسی و حقوقی را به ویژه در مورد حقوق و آزادی های فردی، درست به دلیل عملکرد و گرایش ذاتی خود نظام سرمایه داری و انباشت رقابتی و قطبی شدن هر روز بیشتر جامعه عقیم ماند.

ایدئولوژی سیاسی و حقوقی جدید، با طرح نظریه تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه می کوشد نظام سرکوب در جامعه جدید را توجیه کند و به آن مشروعیت بخشد. اما در این نظریات هیچ جا توضیح داده نشده است که کدام نیروی اجتماعی، جدا از قدرت حاکم، قوه قضائیه را به وجود می آورد و تضمین استقلال آن قوه در برابر قدرت حاکم است؟

استدلال مخالف ظاهراً این است که اگر دادرسی و دادگاه و قانونی در کار باشد، می توان به وسیله آن جلو خودسری های قوه مجریه را لاقلاً بطور نسبی گرفت (تفکیک این دو و تصور قوای جداگانه انتزاعی است). اما سؤال بی جوابی که در برابر این ادعا مطرح می شود، این است که چه کسی این دادگاه را به وجود می آورد و قوانین را تهیه و به تصویب می رساند و آیا این قوانین چیزی جز بیان اراده و خواسته های قدرت حاکم در قالب اصول و مواد و تبصره ها و فصول و ابواب است که به شکل قانون تدوین و تنظیم شده؟ برای دریافت صحت و سقم هر یک از این نظرات، تنها راه <

رو در رو ساختن آنها با واقعیات عینی و عملی است، نه تشبث به مفاهیم انتزاعی متون و کتاب ها و تلاش برای تغییر یا تحریف واقعیات و بردن آنها در قالب آن مفاهیم انتزاعی.

از سطح بحث های انتزاعی پائین بیاییم و منصفانه ببیندیشیم که آیا دادگاه های نظامی رژیم گذشته و دادگاه های انقلاب رژیم فعلی، دستگاهی مستقل از قدرت حاکمه را تشکیل می داده اند یا می دهند که بتوانند با یک استقلال انتزاعی (که من نمی فهم این استقلال انتزاعی، و قدرت و امکان این دادگاهها برای چنین اقدام مستقلی خود از کجا می تواند آمده باشد)، بین حاکمیت و مخالفان آن داوری کند؟

مگر این دادگاه ها را در هر دو رژیم (و در تمامی ساختارهای حاکمه دیگری که وجود واقعی و عینی دارند) کسی غیر از خود حاکمیت تشکیل داده و به وجود آورده است و مگر گردانندگان آن ها کسانی غیر از خود عوامل این حاکمیت هستند که دیروز مثلاً در دستگاه اطلاعاتی و امنیتی یا سایر دستگاه ها اجرائی آن بوده اند و امروز در دستگاه قضائی آن هستند (در همین لحظه در ایران، دادستان کل کشور، وزیر سابق اطلاعات است)، و مگر عزل و نصب و ترفیع و تنزل این قضات و مسئولین این دستگاه قضائی، و در یک کلام همه سرنوشت این دستگاه قضائی به وسیله همان حاکمیت تعیین نمی شود. یک لحظه فارغ از قالب های ذهنی به واقعیتی که پیش روی مان جریان دارد، بی طرفانه فکر کنیم و به این سؤال پاسخ دهیم که منشأ دستگاه قضائی در نظام های حاکمه کنونی در همین نظام های حاکمه قرار دارد یا در بیرون آن ها؟ نگرش لیبرال نیز به این نوع جنایات اعتراض می کند، اما فقط به خاطر آن که غیرقانونی و بدون دادگاه صورت گرفته است؛ اما محکومیت به حکم دادگاه را از سوی همه دولت ها عادی تلقی می کند زیرا که قانونی است و نمی خواهد قداست قانون را بشکند.

اعتقاد به مبارزه حقوقی و قانونی که برای نهادهای قضائی استقلال و اثری را قائل است که در واقعیت فاقد آن است، مشخصه ذهنیت لیبرالی است. این نگرش در واقع اسیر ترتیبات نمایشی و تشریفاتی فریبنده ای است که قدرت نسلط خود آن ها را مقرر و معمول داشته و به تصویب رسانده است. "اراده دولت باید خود را در قالب یک قانون ابراز و بیان کند که به دست قدرت تدوین و وضع می شود؛ در غیر این صورت این "اراده" چیزی بیش از یک واژه میان تهی نخواهد بود" اما قدرت، در موارد استثنائی که کنترل بر اعصاب خود را از دست می دهد، یا قصد قدرت نمائی و ارباب دارد، تشریفات مقرر خود را هم نقض می کند، یا در مواردی که سرکوب از نوعی و در حدی است که حتی قوانین مقرر خود او هم اجازه آن را نمی دهد، این کار را به دست نیروهای غیررسمی سرکوب به انجام می رساند تا در اقدامات خود با محدودیتی مواجه نباشد و مسئولیتی نیز متوجه آنان نباشد.

به این ترتیب تمامی بحث کسانی که فقط به قتل بدون دادرسی و دادگاه معترض اند، نه به نفس قتل، یک بحث شکلی از آب درمی آید، زیرا در آن ماهیت این عمل مورد بحث و اعتراض قرار نگرفته است، بلکه شکل قتل مورد بحث است. اما بحث واقعی بر سر نفس کشتار کسانی است که سلطه و ستم اقلیت حکومت کننده را بر اکثریت تحمل نمی کنند.

آیا می توان در برابر رژیم هائی که در کشتار مردم، حتی به ضوابط مقرر خودشان هم پایبند نیستند، فقط با زبان قانون و منطق، فقط با "کلمات" گفتگو کرد و آیا چنین رژیم هائی به این زبان تمکین می کنند؟ پاسخ به این پرسش از آن رو باید سنجیده و جدی باشد که این پاسخ هرچه باشد در تعیین مواضع و روش های مبارزه اثر قطعی دارد. تهران - ۳۱ فروردین □



حضور بر مزار جانباختگان فروردین ۱۳۵۴، بیژن جزنی و یارانش

قسم خورده بر تو من ای عشق ...



حسن ضیاءظریفی، کاظم ذوالنوار، عزیز سردمی، مشعوف (سعید) کلانتری، عباس سورکی، مصطفی جوان خوشدل، محمد چوپانزاده، احمد جلیل افشار، مرضیه احمدی اسکویی و ...

بر مزار خسرو و کرامت و باز گل سرخ و باز عبور و باز سنگ و سنگ و سنگ و خاطره و نم، نمی از اشک در فروردین چاپار... با دست خاک ها را کنار می زنیم. سنگ را خورد کرده اند ولی آرم سازمان را هنوز می توان تشخیص داد. چریک فدایی خلق، رفیق... گل سرخ و مزاری دیگر...

و می چرخیم و می خندیم و می گرییم و باد، باد... هنوز کامل نرفته ایم که "برادران" از راه می رسند و ناصر سرباز جوان شهرستانی را می آورد و پیش از آنکه او سخن بگوید، ناصر با تحکم خاص خود به او می گوید، برو! لباس پلنگی ات را دراز و گل سرخ بگذار بر این سنگ قبرها. ادای احترام کن به وطن! پی جو می شوند و می گویند اینجا چرا جمع شده اید؟ وقتی سرباز جوان که با بی سیم در ارتباط با بالاست و ناصر با قاطعیت هر چه تمام تر می گوید ما وقت نداریم اینجا بایستیم و بگو اگر کاری با ما دارد، سریع بالایت بیاید نزد من! سرباز جوان می گوید آخر جمع شده اید اینجا گل گذاشته اید، هر جا جمع می شوند می خواهند یک کاری بکنند! بمب خنده می ترکد و سرباز جوان هاج و واج، بدرود می گویم و می رویم.

قطعه ی ۳۳ "بهشت زهرا"، آوردگاه فرزندان خلق ایران!

سهیل آصفی - سایت عصر نو

سی و دومین سالگرد جنایت بزرگ رژیم شاه
مفهمه ۱۰ <

ساواک در آن زمان در اوج قدرت بود. کادریهای اصلی گروههای مسلح چریکی یا اعدام شده و یا زندانی بودند. افزایش قیمت نفت، توان تازه ای به شاه داده بود تا بتواند به پاره ای از مشکلات جامعه پاسخ دهد، زندان مملو از نیروهایی بود که هرکدام در جایگاه خود و در گروه خود نقش مهمی داشتند. خاطریم هست در اتاق کوچکی با پاکتژاد و بیژن جزنی هم اتاق بودم. روزی صحبت جدی شد که باید انتظار حرکت خونین از پلیس را داشت زیرا این کادریهای مهم و قوی که زندان هستند، ساواک نسبت به آنها احساس امنیت نمی کند و قاعده مورد توافق این بود که حکومت های استبدادی، هرکس را که رقیب خود بدانند و یا آن را دارای قدرت توده ای تصور کنند، از ترس یا از میان برمی دارند یا منزوی و بی خاصیت می کنند. دور تکراری کشورهای عقب مانده، امروز زندانی و محبوب، فردا حاکم و باز تکرار تکرار. در حالی که زندان، همانند لانه زنبور از سحر تا آخر شب یکسر کار بود. حداقل بیلان کار ۱۴ تا ۱۶ ساعت بود. هیچکس وقت سرخارنیدن نداشت. جزنی می گفت که در آرژانتین یا شیلی یک زندان سیاسی را عملاً آتش زدند، عده ای از کادریهای مهم را از بین بردند. این مسئله موجب یک بحث بسیار جدی شد. پس از مدتها گفت و گو نتیجه این شد که همه پتوها و تشکهای پلاستیکی و هرچیز اشتعال زا را به بیرون از زندان بفرستیم. افراد برای مقابله با یک حرکت به ظاهر تصادفی ساواک آماده شدند.

یک روز صبح بلندگوی زندان نام ۹ نفر را خواند. از سازمان مجاهدین کاظم ذوالنوار، مصطفی خوشدل و از چریکهای فدایی بیژن جزنی، حسن ظریفی، چوپانزاده، عزیز سردمی، سورکی، کلانتری و افشار. مرحوم پاکتژاد مرا به کناری کشید و درحالی که اضطراب شدید داشت گفت فلانی شروع شد، اینها بر نمی گردند. فردای آن روز بلندگوی زندان یک نفر دیگر از چریکهای فدایی را صدا کرد. سرهنگ زمانی رئیس زندان قصر ما را به اتاق خود برد و گفت این افراد (منظور ۹ نفر مذکور) چقدر ساده اند، می خواستند از دست پلیس فرار کنند، درگیری شد و همگی متأسفانه از بین رفتند. او خطاب به ما گفت که متوجه باشید زندانی اگر شلوغ کند، عکس العمل نشان دهد، پلیس تحمل نخواهد کرد. این در حالی بود که هر ۹ نفر را پشت زندان اوین برده و به رگبار بسته بودند. همزمان روزنامه ها را به داخل زندان فرستادند، ما وقتی وارد بند زندان شدیم گویی به تاریکخانه اشباح رفته ایم. مجسمه های بی جان، بی حس، مات و مبهوت در شکلهای متفاوت گویی در لحظه ای یخ بندان شده و هرکسی در حالت خود، خشک شده، هرکس به صورتی خشک شده، یکی نشسته، دیگری به دیوار تکیه کرده، دیگری سر در گریبان به زمین می نهد، اشکها گویی چون قطرات آبی بر مجسمه های سنگی می ریخت. تمام صورتها خیس و چشمها اشک آلود بود. بچه ها همدیگر را در آغوش می گرفتند و های های می گریستند. از راهرو بند ۴ تا به ۶، فضا چون گورستان بود، سرد، بی جان، ساکت. سکوتی که بغض و حق هق افراد آن را آزاردهنده تر می کرد. □

باد در گورستان بی نام و نشان با نام و نشانانمان می وزد. ساعت ۱۰ صبح با سعید و پیمان و عموناصر نازنینمان به قطعه ی ۳۳ "بهشت زهرا" رسیده ایم. بچه ها هستند. بخش بزرگی از قطعه ی ۳۳ با شاخه های گل سرخ آذین می شود. نام و نام و نام. و در کنار سنگ مزارهای مشخص، گورهای پر شماره ی سیمانی بی سنگ. بیش از سه دهه، هنوز کس و کاری جراتی یا که مجالی نیافته که بیاید و سنگی بیاندازد. مزار بیژن است اینجا. آذین گل سرخش می کنیم. این پیرزن فرتوت با دست های لرزان کیست؟! سیاه پوشیده، سیاه تمام! ناصر در آغوش می فشارد سخت و اشک، دانه دانه دانه، او مادر هوشنگ و خسرو است! مادر ترگل ها!

از اعضای گروه آرمان خلق ... در آغوش می فشارمش و اشک، دستم را سخت گرفته است، می گوید آمده ام تا هوشنگ هایم را ببینم، شیشه تیره ی عینک حسابی خیس شده است. مادر! ...

ناصر می گوید مادر یادت هست فردایی را که هوشنگ را زدند، ریختند آنجا و ...

مادر ترگل ها در سبزی فروشی کار می کرد. و آلونکی کنار بساط. ساواک تا پستوهای آلونک خانواده تهیدست که یلانی چنین را پرورد تا که به کارزار شوند، بر هم ریخت و مادر ترگل ها... مادر می گوید که دکتر آماده ام با همین تن ناتوان زیر پرچم تو مشتم را گره کنم. پرچم مردم! و مادر می لرزد در باد کم نفس فروردینی که خدا را می خواهد گواهی دهد. بانویی با موی سفید با واکر از راه می رسد، مادر بیژن است این؟ آن زن محکم و قاطع، آن استاد دانشگاه و کاردان زبان روسی، عضو سازمان زنان حزب توده ی ایران که دل و جرات هر چریک فدایی خلق ایران بود. ناصر می گوید مادر جزنی؟! چرا اینطور؟! چه مانده از تو مادر؟! سخت می گرید و با واکر راه می رود. گل بر مزار بیژن می گذارد و یارانش. دست در دستش چند قدم راه می رویم. دائی بیژن او را همراهی می کند. با بچه ها در قطعه ی خدا می چرخیم.

ناصر به دنبال مزار علینقی آرش و علیرضا نابدل است، یک یک گل سرخ می گذاریم و سنگ نوشته ها را می خوانیم و بی شماره مزار بی سنگ، سیمانی! محمدحنیف نژاد، سعید محسن، ناصر صادق، پرویز حکمت جو، علی باکری، بیژن جزنی، <

نشریه دانشجویی بندر

گزارشی از برگزاری مراسم اول ماه مه در آبشار فور



امروز در آستانه اول ماه مه، جاده چالوس بار دیگر پذیرای خانواده های زیادی از کارگران، معلمان و همچنین دانشجویان بود. در این روز بهاری، جاده بسیار زیبای منتهی به آبشار خورمه را به وجد آورده بود. بیش از ۳۰ دستگاه اتوبوس و تعداد زیادی ماشین شخصی در کنار جاده پارک بودند.

در ساعات آغازین صبح که آفتاب چتر خود را بر زمین گسترده بود و صدای آب آوای دلنشینی را زمزمه می کرد، خانواده ها دسته دسته سر رسیدند. دانشجویان سرود خوانان به جمع پیوستند. همه در تکاپو بودند. عده ای چادرها را بر پا کردند. تعدادی مشغول نصب پارچه هایی بودند که بر آنها تبریک اول ماه مه، آزادی محمود صالحی و خواسته ها و حقوق اقتصادی کارگران نقش بسته بود. هنوز چند دقیقه ای از نصب آنها نگذشته بود که توسط مأمورینی که گفته می شد از حراست سایپا هستند همه بر چیده شد. تعدادی پوستر طراحی شده که بر آن تبریک اول ماه مه، و شعارهایی مبنی بر اتحاد میان کارگران و معلمان و دانشجویان و آزادی زنان و مخالفت با استبداد داخلی و دخالت خارجی نوشته شده بود، در گوشه و کنار مراسم به چشم می خورد. بنا به گفته عده ای از دوستان، طراحی و نصب این پوستر حرکت بسیار جالبی بود و استقبال خوبی از آن شد. چند تن از کارگران پوسترها را با خود بردند تا به همکاران و دوستان خود نشان دهند و در مورد اول ماه مه و تاریخچه و اهمیت آن صحبت کنند.

ساعت به ساعت بر تعداد جمعیت اضافه شد و منطقه را فرا گرفت. جمعینی بیش از دو هزار نفر گرد آمدند. کودکان از هوای خوب و فضای باز به وجد آمدند و مشغول بازی شدند. خانواده ها مشغول تدارک غذا و همچنین پیدا کردن دوستان و تازه کردن دیدارها بودند. فعالین مختلف کارگری و دانشجویی نیز در تدارک اجرای برنامه ها و بحث و تبادل نظر با یکدیگر بودند.

البته در این میان باید به وجود چند مأمور لباس شخصی نیز اشاره کرد که در میان جمعیت در حال پرسه زدن بودند.

ساعت ۱۱ دانشجویان جمع شده و سرود خواندند. بعد از آن عده ای با دکتر زرافشان مشغول بحث و گفتگو شدند. NGO کودکان کار و خیابان نیز مشغول اجرای برنامه برای کودکان و سخنرانی در مورد وضعیت کودکان خیابانی و مشکلات آنها بود.

فعالین جنبشهای مختلف در این ساعت مشغول پخش بیانیه ها، تراکت ها و مطالب خود به مناسبت اول ماه مه بودند. از بیانیه فعالین نشریه بندر استقبال قابل توجهی شد و علت آن محتوای سیاسی آن بود که به مسایل مختلفی همچون راه سوم و خطر حمله نظامی امپریالیسم و توطئه های داخلی اشاره کرده بود. نکته جالب این بود که بسیاری از فعالین سیاسی و کارگری در این مراسم، این نشریه را می شناختند. فرصتی هم شد که در رابطه با نقاط ضعف و قوت آن در جمع هایی صحبت شود.

بعد از ظهر تعدادی از خانواده ها مشغول رقص و پایکوبی شدند. البته این مسئله بیشتر شامل مردان خانواده بود و تقریباً زنی دیده نمی شد که برقصند. در این میان نیز برنامه ای تدارک دیده شد که تعدادی از فعالین جنبش کارگری در مورد مسایل و مشکلات کارگران صحبت کنند. امضاهایی نیز مبنی بر آزادی محمود صالحی، فعال کارگری که در آستانه اول ماه مه دستگیر شده بود جمع آوری شد.

تعدادی از شرکت کنندگان در این مراسم معتقد بودند که سال گذشته پراکندگی و اختلافات میان فعالین کارگری بیشتر بود اما امسال به دلیل همکاری هایی که صورت گرفت، برنامه بهتر و منسجم تر پیش رفت. عده ای هم معتقد بودند که پارسال بهتر بود و همه برنامه های در نظر گرفته شده اجرا شد، پارسال بحث و گفتگوی بیشتری صورت گرفت و در مورد مشکلات کارگران و اوضاع سیاسی بیشتر صحبت شد. البته نباید فشارهای عوامل رژیم را برای محدود کردن مراسم امسال از نظر دور داشت. عده ای هم ضمن این که از اتحاد میان گرایشات مختلف دفاع می کردند اما می گفتند مسئله اصلی این است که در پس این اتحاد چه سیاستی قرار دارد و اتحاد ما باید چه نمادی را در جامعه نمایندگی کند و مبارزات کارگران به کدام سمت باید تکامل یابد.

سرانجام مراسم در ساعت ۴ بعدازظهر با آرزوی پیروزی و دیدار در مراسم های دیگر اول ماه مه و با آرزوی هر چه بهتر و با شکوه تر برگزار کردن آن ها به پایان رسید.

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶
نشریه دانشجویی بندر

تقدیم به اهل خانه کارگر
از طرف سندیکالیست ها

« سقوط »

من صدا بدهم تو رنگ سکوت
من درفت و تو به دشت برهوت
من فرازی که فرودش عشق است
تو فرودی که شکست ست و سقوط
فیلی دوس داشتی که با من برابر باشی
نه برابر که فراتر باشی
پیپکی شدی تو باغ دل من
وقتی که باید صنوبر باشی
قفسی شدی واسه بال و پر
وقتی می شد توی آسمون من
تپش بال کبوتر باشی
نه برابر نه فراتر بودی
نه صنوبر نه کبوتر بودی
تو فقط فرود همواره فنجر بودی
کاشکی می شد که برادر بودی
آره این یه درکهنه س، همیشه
کوه و میریزن تا دره پر بشه
من اگه کوهم و قله غرور
تو نگاه تو فقط راه عبور
کاشکی میشد که برادر باشی

شاعر: داود نوری

مسئول کمیسیون فرهنگی
سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه



هیات موسسان سندیکاهاى کارگرى

قطعنامه اول ماه مه، روز جهانی کارگر

گرامی باد «اول ماه مه» روز همبستگی کارگران و زحمتکشان

اول ماه مه روز جهانی کارگران است. امسال نیز همانند سال های گذشته این روز شرایط ویژه ای دارد. از یک سو کوچکترین حرکت مستقل و متشکل کارگران به شدت سرکوب می شود و از سوی دیگر تدارک وسیعی برای حمله ی نظامی امپریالیستی به سرکردگی آمریکا همراه با تشدید تحریم اقتصادی علیه کشورمان صورت می گیرد. وضعیت ناشی از این تحریم ها باعث افزایش فشار اقتصادی بر مردم به ویژه طبقه ی کارگر ایران است. کشور ما لحظات حساسی را می گذراند. کارگران ایران باید در کنار مبارزات سازمان یافته صنفی و روزمره خود، نسبت به اوضاع کنونی کاملا آگاه باشند. جریاناتی که تا دیروز کوچکترین حرکت کارگری را محکوم می کردند امروز به طرفداران دو آتشه طبقه ی کارگر تبدیل شده اند. این جریانات در تلاشند تا جنبش کارگری را به سود خود به این سو و آن سو بکشانند. مهم ترین عاملی که می تواند این تلاش ها را عقیم گذارد، آگاهی صنفی - طبقاتی است و این آگاهی می باید همزمان با سامان یابی کارگران در سازمان های سندیکایی توسعه یابد.

تجربه تاریخی در کشور ما و هم چنین سایر کشورهای جهان نشان داده است که کارگران آگاه و متشکل بزرگترین نیروی مدافع در برابر تهاجمات سرمایه جهانی است، بنابر این نهادها و نیروها و جریان ها و کسانی که با شکل گیری، رشد و گسترش سازمان های کارگری مخالفت می کنند، خواسته یا ناخواسته بهترین خدمت را به محافل هار و جنگ طلب نومحافظه کار آمریکایی می کنند.

در شرایطی که رسانه های سرمایه داری با آزادی کامل به تبلیغ وسیع ایدئولوژی و برنامه شان مشغولند، تشکل های کارگری با انواع محدودیت ها مواجه اند، این محدودیت ها به گونه ای است که جنبش ها و سازمان های کارگری از هر گونه امکان انتشار رسمی نظرات، خواسته ها و مطالبات کارگری محروم هستند.

این همه در شرایطی صورت می گیرد که فقر، گرانی و بیکاری بیداد می کند. حقوق و امتیازات محدودی که کارگران در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ و سال های پس از آن کسب کرده اند یک به یک به بهانه افزایش تولید و ایجاد اشتغال بازپس گرفته می شود.

کارگران و زحمتکشان ایران!

روز اول ماه مه قبل از هر چیز بیانگر همبستگی جهانی طبقه کارگر است. اگر زحمتکشان، خود برای دفاع از حقوق مشروع خویش حرکتی نکنند، هیچ صاحب اختیار و صاحب قدرتی در راه بهبود وضع کارگران قدمی بر نخواهد داشت. به درستی گفته اند که چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. ما در این روز بزرگ همبستگی کارگران را پاس می داریم و ضمن حمایت از مبارزات و جنبش های کارگری در سایر نقاط جهان، با صدایی یک پارچه و رسا خواسته های خود را به شرح زیر اعلام می داریم:

۱ - ما کارگران خواهان رفع موانع موجود علیه فعالیت سندیکایی و به رسمیت شناختن کلیه حقوق سندیکایی تصریح شده در منشور جهانی حقوق سندیکایی، مقاله نامه های بنیادین از جمله مقاله نامه ۸۷ درباره حق آزادی سازمان های مستقل سندیکایی کارگران هستیم.

۲ - با تکیه به ماده ۱۹۱ قانون کار، دولت «اصلاحات» کارگاه های دارنده تا ۱۰ کارگر را از شمول قانون کار خارج کرد و دولت نهم این مصوبه را تمدید کرده است. ما خواهان لغو ماده ۱۹۱ قانون کار هستیم.

۳ - دولت نهم، با ارایه ی لایحه «اصلاح» قانون کار، به بخش عمده ای از حقوق کارگران تعرض کرده است. این لایحه مغایر با حقوق اساسی کار در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، قانون اساسی و مقاله های بنیادین سازمان جهانی کار است. ما خواهان بازپس گیری این لایحه از سوی دولت هستیم.

۴ - قراردادهای موقت اعم از شفاهی یا کتبی در کارهایی که ویژگی مستمر و دایم دارند به رسمیت شناختن برده داری نوین است و هرگونه ثبات اجتماعی و اقتصادی زندگی کارگران را بر هم می زند. ما خواهان تبدیل هر گونه قرارداد موقت به قرارداد دایم در باره کارهای دایم و مستمر هستیم.

۵ - خصوصی سازی بخش های دولتی صنایع و معادن و واحدهای تولیدی - خدماتی، امنیت شغلی زحمتکشان را به مخاطره انداخته است. هجوم سرمایه داران برای تملک این بخش ها، شمره ای جز بیکاری کارگران و توقف تولیدات و خدمات و انتقال تجهیزات و زمین و ساختمان به بورس بازی و زمین خواری نداشته است. مشکل اساسی نه در دولتی بودن این بخش ها که در نبود یک اقتصاد تولید محور و وجود سوء مدیریت و نبود مشارکت کارگران در این بخش ها است. ما ضمن محکوم کردن خصوصی سازی، خواهان برقراری اقتصاد مولد و مشارکت کارگران در مدیریت این واحدها از طریق سازمان های سندیکایی با کاربست شیوه ی پیمان های دسته جمعی هستیم.

۶ - مطابق با آخرین برآوردها در سال ۱۳۸۵، حداقل درآمد مورد نیاز یک خانوار مبلغ ۴۰۰ هزار تومان در ماه اعلام شده است. وزارت کار از طریق شورای عالی کار خودساخته، حداقل حقوق در سال ۱۳۸۶ را مبلغ ۱۸۳ هزار تومان تصویب کرده است. این رقم ۲۱۹ درصد کمتر از آن حداقل برآورد شده است. ما کارگران، خواستار تعیین حداقل دستمزد متناسب با میزان حداقل درآمد مورد نیاز یک خانوار چهار نفره هستیم.

۷ - بیمه بیکاری یکی از دستاوردهای مهم جنبش کارگری است. با توجه به ناچیز بودن مبلغ پرداختی و مدت زمان پرداخت آن ما خواهان ترمیم این قانون و حذف سقف زمانی پرداخت تا اشتغال مجدد کارگران بیکار شده، اعم از کارگران رسمی و پیمانی، هستیم.

۸ - با پیدایش و گسترش شرکت های پیمانکاری خدماتی، نه تنها هزینه های تولید و خدمات کاهش نیافته، که باعث افزایش بوروکراسی و دلالی و ایجاد لایحه های کاذب پیمانکاری شده است. این امر موجب بالا رفتن هزینه های تولید و تبعات ناشی از آن شده است. این تبعات از نبود توانایی رقابت تا تعطیلی و ورشکستگی واحدهای تولیدی - خدماتی را در بر می گیرد و در نهایت موجبات بیکاری کارگران را فراهم می آورد. ما خواهان حذف شرکت های پیمان کاری و استخدام بی واسطه ی کارگران در واحدهای تولیدی - خدماتی هستیم.



۹ - ما خواستار بازگشت به کار همه کارگران سندیکایی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و رفع محدودیت از کلیه ی فعالان کارگری در سراسر کشور از جمله آزادی کارگر در بند محمود صالحی هستیم.

۱۰ - واردات بی رویه کالا، حذف تعرفه های گمرکی و وجود اجناس قاچاق، تولیدات داخلی (اعم از صنعتی و کشاورزی) را با خطر نابودی روبرو کرده است. بخشی از واحدهای کار و تولید ورشکسته و تعطیل شده اند و بسیاری در آستانه ی نابودی قرار گرفته اند. هر روز تعداد بیشتری از کارگران و زحمتکشان به دلیل تعطیلی کارخانه ها و واحدهای صنفی به خیابان سرازیر می شوند. ما خواهان محدودسازی واردات کالا و تقویت بنیه تولیدات داخلی هستیم.

۱۱ - تبعیض ناروا علیه زنان کارگر نسبت به مردان، هر روز افزایش می یابد و این تبعیض در نهایت منجر به از دست رفتن فرصت های مساوی بین کارگران اعم از زن و مرد خواهد شد. در عین حال حد مزد کارگران زن در بخش های اقتصاد پنهان به میزان نصف مزد کارگری معمول کاهش یافته است و هیچ گونه نظارتی بر آن نیست. ما خواهان برابر حقوقی مردان و زنان کارگر در سطوح دستمزدی و ساعات کار برابر آنان مطابق قانون هستیم. < صفحه ۱۲

فراقوان به تمامی آزادی فواهان و مامیان کارگران

وضعیت جامعه ی ایران بحرانی است. تنها بدیل جمهوری اسلامی سرکوب، سنگسار، ارباب، اعدام و کشتار است. رژیم هرگونه حرکت اعتراضی را سرکوب می کند. فعالین کارگری، معلمان، دانشجویان، زنان و... را دستگیر و مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می دهد. فقر و فلاکت روزافزون، طبقه کارگر و همه مزد و حقوق بگیران را هر روز به اعتصاب و تظاهرات و تجمع وا می دارد. نظم سرمایه هر روز به اشکال مختلف به سطح معیشت مزدبگیران یورش می آورد و به اشکال متفاوت آنان را بیشتر تحت فشار قرار می دهد. شاهدیم که بخش زیادی از کارگران از دریافت دستمزد خود برای ماه ها محروم می شوند و زمانی که برای دریافت دستمزد های معوقه شان اقدام به تجمع، اعتصاب و تظاهرات می کنند، مورد هجوم نیروهای انتظامی قرار می گیرند و به شدیدترین وجهی سرکوب می شوند. هر روز تعداد زیادتری از معترضین به فقرو فلاکت و استبداد، دستگیر و روانه زندان ها می شوند.

طبقه کارگر و سایر مزد و حقوق بگیران که اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند در بدترین وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار داشته و از ابتدائی ترین امکانات برای ایجاد تشکل های مستقل خود محروم هستند.

لذا باتوجه به این که طبقه کارگر تنها نیروئی است که از توانمندی تغییر بنیادی جامعه برخوردار است، وظیفه هر انسان آزادی خواه است که به دفاع از حقوق آنان برخیزد و به هر شکل ممکن از سرکوب وحشیانه ی مبارزات آنها جلوگیری بعمل آورد.

طی سال ها در سراسر اروپا، کانادا، استرالیا و ... برای دفاع از حق تشکل همکاران مان در ایران و به عنوان اعتراض به شرکت جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (ILO) اقداماتی را انجام داده و به جهانیان اعلام کرده ایم که شرکت کنندگان در جلسه سالیانه سازمان جهانی کار که از طرف ایران به این کنفرانس فرستاده می شوند، نمایندگان منتخب کارگران ایران نیستند، بلکه نمایندگان رژیم استبدادی - سرمایه داری و سرکوب گران فعالین کارگری برای ایجاد تشکل مستقل می باشند.

به همین مناسبت امسال در روز ۸-۶-۲۰۰۷ در مقابل سازمان جهانی کار در ژنو یک آکسیون اعتراضی را به پیش خواهیم برد.

لذا از همه افراد آزادی خواه، احزاب، سازمان های سیاسی و مدافعین جنبش اجتماعی کارگران و زحمتکشان دعوت می کنیم که فعالانه در این گردهمائی اعتراضی شرکت نمایند تا با حرکت متحد خود، ضمن اعتراض به مسئولین سازمان جهانی کار برای پذیرش نمایندگان دولت جمهوری اسلامی، اعتراض شدید خود را نسبت به عملکرد تاکنونی رژیم در مورد کارگران و سایر حقوق بگیران به گوش جهانیان برسانیم.

کمپین فعالین جنبش کارگری ایران در خارج از کشور:

- ۱- کانون همبستگی با کارگران ایران - کلن
- ۲- کمیته همبستگی با کارگران ایران - هامبورگ
- ۳- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر
- ۴- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - فرانکفورت و حومه
- ۵- اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران (انگلستان - فرانسه - سوئیس - سوئد - کانادا - دانمارک)
- ۶- کمیته همبستگی با کارگران ایران - استرالیا
- ۷- کمیته همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس
- ۸- جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی - سوئیس

ما مصرانه علاقه مندیم تا به دور از اختلافات و تنش های رایج در بین نیرو ها و فعالین کارگری در خارج از کشور - که بحث آن میتواند در جا و مکان و فضای دیگری دنبال گردد - در فضایی دمکراتیک و صمیمانه با هم به سوی خواسته ها و علایق جنبش کارگری ایران و فعالین آن که همگامی و همکاری مشترک ما را می طلبد گام برداریم. انتظار داریم همه آن نیروها و کسانی که راه سازمان و سامان یابی تشکل های مستقل کارگری را در ایران دنبال می کنند، در آکسیون ۸ ژوئن جلوی سازمان جهانی کار دست در دست هم گذاشته، متحداً در راه به عقب نشینی وادار کردن جمهوری اسلامی بکوشیم. □

قطعه نامه اول ماه مه، روز جهانی کارگر

صفحه ۱۵ <

۱۲ - کودکان کار قربانیان بی دفاع جامعه ی سرمایه داری هستند. آن ها علاوه بر محرومیت از تحصیل و گماشته شدن به کارهای سخت و توان فرسا، از حداقل حقوق انسانی هم برخوردار نیستند. ما کارگران، خواهان ممنوعیت کار کودکان و ایجاد تسهیلات برای زندگی شرافتمندانه و انسانی با برخورداری از کلیه حقوق تصریح شده در پیمان نامه جهانی حقوق کودک برای آن هستیم.

۱۳ - ما کارگران حمایت خود را از خواسته های صنفی معلمان و پرستاران اعلام می کنیم.

۱۴ - کارگران بازنشسته ی کشور، گرانبهترین منبع تجربه ی علمی- کاربردی در عرصه صنعت و خدمات اجتماعی هستند که باید ضمن حفظ اعتبار و کرامت انسانی این سرمایه های ارزشمند، از تجاربشان بهره مند شد. ما ضمن دفاع از خواست های بر حق این بخش از کارگران، خواهان ایجاد نظام مستمری مناسب با شرایط اقتصادی موجود، با هدف رفع نگرانی های معیشتی و حفظ اعتبار و آبروی ایشان هستیم.



۱۵ - متأسفانه علیرغم پذیرش روز جهانی کارگر و تعطیل آن در قانون کار، بسیاری از کارخانجات بزرگ کشور، این حق قانونی کارگران را رعایت نمی کنند. ما خواهان اعلام تعطیل رسمی و عمومی روز کارگر برای کلیه ی مزد و حقوق بگیران هستیم.

۱۶ - کارگران مهاجر، بی دفاع ترین کارگران جهان هستند. هر گونه رفتار با کارگران مهاجر باید متکی بر اصول انسانی و رعایت حقوق بشر باشد. ما خواهان حفظ کرامت انسانی کارگران مهاجر افغانی و رعایت همه جانبه ی حقوق آنان مطابق با کنوانسیون های بین المللی هستیم.

۱۷ - ما کارگران هرگونه تعرض نظامی و یا تحریم اقتصادی از طرف امپریالیزم آمریکا و یا هر کشور دیگری به ایران را که حاصلی جز فقر و فلاکت و نابودی ندارد، محکوم می کنیم.

۱۸ - ما کارگران، حضور نظامی آمریکا و متحدین آن در خاورمیانه را محکوم می کنیم و خواهان خروج بی قید و شرط نظامیان آمریکایی و متحدانش از عراق و افغانستان هستیم.

۱۹ - قربانیان اصلی هر جنگی کارگران هستند. تظاهرات و جنبش های ضد جنگ در سطح جهان نمود همبستگی کارگران دنیا است. ما کارگران خود را جزیی از این جنبش جهانی می دانیم و حمایت خود را از تظاهرات و جنبش های ضد جنگ اعلام می داریم.

پرتوان باد صفوف متحد و آگاه کارگران

پیش به سوی تشکیل سازمان های سندیکایی کارگری
هیات موسسان سندیکاهای کارگری ۱۱ اردیبهشت

گفت و گوی دویچه وله با منصور اسانلو

جوانه های فعالیت سندیکایی در ایران

دویچه وله: آقای اسانلو امروز دانشجویان دانشگاه تهران از قرار مراسمی داشتند در پیشواز روز جهانی کارگر. مراسم چگونه برگزار شد؟

منصور اسانلو: امروز از طرف دانشجویان دانشکده حقوق قرار بود مراسمی برگزار شود که یکی از دعوت شدگان به مراسم، من به نمایندگی از سندیکای کارگران شرکت واحد بودم. موقعی که ما به همراه اعضای هیات مدیره سندیکا داشتیم وارد دانشگاه می شدیم، دانشجویان گفتند حراست اعلام کرده که اسانلو حق ورود به دانشگاه و سخنرانی در آنجا را ندارد. دانشجویان پس از چند بار رفت و برگشت به حراست و بحث های مفصل حقوقی، حتی نتوانستند برگه ای از حراست یا اطلاعات یا قوه قضاییه یا یک رأی از یک دادگاه بگیرند که چرا این حق قانونی بیان را از من سلب کرده اند. بالاخره دانشجویان آمدند به ضلع غربی، در غربی دانشگاه و ما آنجا مشغول گفتگوی حضوری شدیم. حدود سی نفر از دانشجویان و اعضای سندیکای شرکت واحد در پیاده رو جمع شدیم. حدود سی نفر از رهگذران هم به این گفتگو پیوستند. همه ما از این رفتارهای غیرقانونی حراست و اطلاعات ناراحت بودیم و مجموعه بحث ما به اینجا کشید که دانشجویان شکایتی در قوه قضاییه علیه حراست دانشگاه به دلیل ممانعت از حق بیان طرح کنند.

شما در چه زمینه ای می خواستید صحبت کنید؟

موضوع سخنرانی روز جهانی کارگر و نقش سندیکاها در جنبش کارگری و تاثیرگذاری سندیکا در زندگی اجتماعی کارگران و مردم ایران بود. من موضوع را در راستای تاثیرگذاری فعالیت دو ساله سندیکای واحد و تاثیر آن به مجموعه ای از کسانی که علاقه مند به فعالیت های کارگری و حق طلبی بودند، می خواستم طرح کنم. با اتفاقی که افتاد، مجموع این صحبت ها و شواهد را در همان کنار خیابان مطرح کردیم. مقداری هم پرسش و پاسخ انجام شد. لوح تقدیری را دانشجویان دانشکده حقوق به من بعنوان نماینده سندیکا و جنبش کارگری اهدا کردند که ما واقعا قدردان فرزندان خودمان هستیم. آرزو کردیم که دانشجویان ما هم سندیکاها و اتحادیه دانشجویی خود را مثل آلمان، فرانسه و دیگر کشورها، به طور مستقل تشکیل دهند.

در خبرها هست که دیروز هم هزاران نفر از کارگران به همراه خانواده هایشان در آبخارخور مراسم گرفته اند. چرا این مراسم به صورت پیک نیک برگزار شد؟

سندیکای کارگران شرکت واحد تهران - به مناسبت اول ماه مه

تلاش های ضد سندیکایی در حال عقب نشینی است

فرارسیدن روز جهانی کارگر را به عموم کارگران به ویژه کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شادباش می گوئیم. طبق یک سنت صد و ده ساله همه کارگران در سراسر جهان در روز جهانی کارگر فریاد دادخواهی، عدالت جویی و اعتراضات خود را نسبت به بی عدالتی ها و نابرابری ها به گوش جهانیان می رسانند. کارگران ایران هم بیش از صد سال است که هم صدا با دیگر کارگران در جهت بهبود شرایط کار و زندگی تلاش و مبارزه کرده اند. سندیکای کارگران شرکت واحد با حمایت و پشتیبانی عمومی کارگران با سابقه بیش از چهل سال، در جهت بهبود بخشیدن به شرایط کار و زندگی زحمتکشان حمل و نقل درون شهری تهران کوشش و پیکار نموده اند.

شصت و دو روز عیدی و پاداش، بیمه تامین اجتماعی، طبقه بندی مشاغل، تأسیس باشگاه ورزشی، تأسیس تعاونی های مصرف و مسکن و اعتبار، برقراری سرویس ایاب و ذهاب، دریافت سهمیه شیر، کت و شلوار، لباس کار و کفش ایمنی، ایجاد سرویسهای بهداشتی و حمام در مناطق و تعمیرگاهها و دریافت ۲۵٪ مزد تکمیلی حوادث ناشی از کار تنها بخش کوچکی از دستاوردهای این تلاش و کوشش بوده است که تا امروز نیز دارای اعتبار قانونی هستند.

کارگران گرامی!

هم اکنون که در آستانه روز جهانی کارگر هستیم تعداد نزدیک به پنجاه نفر از فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد از زمان اعتراضات کارگری زمستان ۱۳۸۴ در حالت تعلیق از کار به سر می برند.

در جاده چالوس - کرج در کنار پیست اسکی خور، مراسمی در فضای آزاد بود که کارگران با خانواده هایشان آمدند و این مبدل به یک پیک نیک بزرگ اجتماع کارگری شد. به جرات می توانم بگویم یکی از بزرگترین تجمع های مستقل کارگران را داشتیم که از اعضای سندیکای ما و خانواده ها هم دعوت شده بود. گروه های کوهنوردی کارخانه های جاده کرج مسئولیت این مراسم را بر عهده داشتند. گفتگوهای زیادی بین کارگران صورت گرفت و اغلب آنها تمایل خود را به تشکیل سندیکا به تبعیت از سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام کردند. یک نوع روحیه همگرایی و همفکری در مراسم جمعه دیده می شد که جای خوشوقتی دارد. باید بگویم سندیکای کارگران نقاش، کفاش، کار و مکانیک و استادان پیشکسوت فعالیت های سندیکایی که سالها بود پس از حمله به سندیکا ها در اوایل دهه شصت یا به زندان افتاده بودند یا کنج عزلت گزیده بودند یا زیر فشارهای زندگی مجبور شده بودند از فعالیت های صنفی دست بکشند، مدتی است فعال شده اند و ما فکر می کنیم به این شکل که پیش می رود، سرانجام سندیکاهای کارگری به تدریج پا بگیرند.

برای روز کارگر چه برنامه ای دارید؟ گردهمایی یا سخنرانی یا راهپیمایی خواهید داشت؟

منصور اسانلو: اول بگویم که سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، روز جمعه حدود دو هزار بسته شکلات و کارت تبریک اول ماه مه را بین کارگران توزیع کرد. این هدایا با دعوت از رانندگان خطوط مختلف مناطق شرکت واحد برای شرکت در مراسم روز کارگر به آنها داده شد. ما روز دوشنبه از ساعت ۴ تا ۸ در فرهنگسرای کار به همت انجمن پژوهشی کار، جشن کوچکی خواهیم داشت. همچنین سه شنبه از ساعت ۴ تا ۸ بعد از ظهر هم به روال دو سال گذشته در تالار باختر، واقع در خیابان کارگر، جشن کارگری خواهیم داشت که امیدواریم قطعنامه مشترکی با سایر همکارانمان صادر کنیم.

برای مراسمی که صحبت اش را می کنید، مجوز گرفته اید؟

تقریبا هماهنگی هایی کرده ایم چون این مراسم در سالن های سرپوشیده هستند. طبق قانون اساسی نیز برای چنین اماکنی نیاز به مجوز نیست. تنها نامه داده ایم به فرمانداری تا امنیت مراسم را تضمین کند. صبح روز کارگر احتمالاً کارگران صنف های مختلف جمع خواهند شد و مسائل خود را اعلام خواهند کرد. امیدواریم در این تجمع بزرگ، همه کارگران ایران به یک همگرایی به منظور تشکیل اتحادیه ها، سندیکاهای مستقل خود برسند و امسال سال بقای سندیکایی ما در ایران باشد. □

بعد از یازده ماه پیگیری و کوشش جانکاه شکایت های این کارگران در مراجع وزارت کار در حال رسیدگی است و از طرف دیگر به دستور مقام عالی دادگستری استان تهران دستور پرداخت ۵۰ درصد دستمزد ایام تعلیق چهارده ماهه آنها طبق مواد ۱۷ و ۱۸ قانون کار صادر گردیده است، که در آخر اسفند ماه ۱۳۸۵ کارگران موفق به گرفتن این حق خود شدند. تلاشهای غیرقانونی محافل ضدسندیکایی روز به روز در حال عقب نشینی است. پایداری فعالان سندیکایی صفحه جدیدی را در سال های اخیر در جنبش کارگری باز نموده است که اگرچه سختی ها و مشکلاتی را برای این تلاشگران در پی داشته است اما نتیجه سودمندی برای کارگران ایران به همراه داشته است. با همبستگی و آگاهی و متشکل شدن در سندیکاها، حقوق کارگران و عدالت اجتماعی بهتر تامین می شود.

سندیکای کارگران شرکت واحد به عنوان نماد خواسته های عمومی کارگران ایران تلاش می نماید که همه کارگران ایران به حق قانونی تشکیل سندیکاهای کارگری آگاهی یافته و نسبت به ایجاد و بازگشایی سندیکاهای کارگری از هیچ کوششی فروگذار ننمایند.

وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران موظف است بنا بر ادعای رعایت حقوق کارگران ایران برابر منشور جهانی حقوق سندیکایی ومقاوله نامه های بنیادین حقوق کار و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۱۰۱ برنامه توسعه چهارم و اجرای برنامه توسعه هزاره سازمان ملل متحد بر مبنای حکمرانی مطلوب و دیگر تعهدات عمومی، شرایط بوجود آمدن سندیکاهای مستقل کارگری را طبق استانداردهای جهانی فراهم آورد!

با امید به ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری ایران در آینده ای هرچه نزدیکتر! برقرار باد عدالت اجتماعی، صلح، دموکراسی و آزادی در سراسر جهان پیروز باد اتحاد کارگران سراسر جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۱۰/۲/۱۳۸۶

برگرفته از وب لاگ برگزار کنندگان اول ماه مه ۲۰۰۷ سنندج

برفورد فشنونت آمیز در روز جهانی کارگر با کارگران در سنندج

در روز اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت) روز جهانی کارگر، تجمع کارگران و خانواده‌های آنان در برابر اداره کار سنندج با خشونت ماموران امنیتی و انتظامی مواجه شد. در آن میان چند نفر از فعالان حقوق کارگری را دستگیر کردند. بهزاد سهرابی، کارگر اخراجی شرکت ریسندگی پریس سنندج و از فعالان حقوق کارگری در کردستان، در تجمع امروز کارگران حضور داشته و به پرسشهایی در این رابطه پاسخ گفته است:

آقای سهرابی، مطلع شدیم که امروز کارگران و خانواده‌های آنها در سنندج تجمعی داشتند و این تجمع با خشونت ماموران دولت مواجه شد. لطفاً برای ما در مورد این تجمع توضیحی بدهید. تجمع کنندگان چه تعداد بودند و کجا جمع شده بودند؟

بهزاد سهرابی: طبق برنامه پیش‌بینی شده که از طرف تشکل‌ها به اسم "اتحادیه سراسری کارگران بیکار استان کردستان" و "کمیته هماهنگی جهت ایجاد تشکل کارگری" و جمعی از فعالان و کارگران شهر سنندج بر اساس روال گذشته و سنتی که در ایران هم هست برای برگزاری روز جهانی کارگر، در آخرین جلسه تصمیم گرفته شد و محلی را در شهر سنندج تعیین کردند به اسم روابط کار که در منطقه چهارراه سفری سنندج است. طبق همان فراخوان ساعت ۱۰ که قرار بود کلیه کارگران در آنجا جمع بشوند، حدود یک ربع به ۱۰ که ما در آنجا که تعیین کرده بودیم جمع شدیم، ماموران زیادی از لباس شخصی و پلیس و نیروهای امنیتی آنجا آمده بودند، قبل از این که کارگران بتوانند جمع شوند. به هر حال ما توانستیم از آن صف رد شویم. حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ کارگر جلوی روابط کار تجمع کردند. ما پلاکاردهایی مبنی بر "کارگران جهان متحد شوید"، "ما خواستار آزادی بی‌قید و شرط محمود صالحی هستیم" و چند شعار دیگر داشتیم. پلیس‌ها آمدند و پلاکاردها را از دست ما درآوردند، اما با مقاومت کارگران مواجه شدند. پیش از آن که به ما حمله کنند، قطعنامه‌ای را که از پیش تنظیم شده بود قرائت کردیم. پس از آن، پلیس و نیروهای لباس شخصی آمدند و می‌خواستند ما را متفرق کنند. اما کارگران در آنجا دفاع جانانه‌ای کردند.

چه عده را دستگیر کرده‌اند؟

طبق آخرین اطلاعاتی که من جمع‌آوری کرده‌ام، منتهی هنوز کامل نیست، می‌گویند که کلاً ۱۰ تا ۱۵ نفر دستگیر شده‌اند. اسامی‌ای که به من داده شده، یکی محمد کنانوان، ثالث گویلیان که مکانیک است، صدیق کریمی از اعضای اتحادیه کارگران اخراجی بیکار است و اقبال لطیفی از کارگران اخراجی نساجی کردستان است. چند نفر دانشجو هم که گویا از شهرستان آمده بودند به اینجا و عکس و فیلم هم می‌گرفتند، گویا آنها را هم دستگیر کرده‌اند. منتهی این چهار اسم را ما فعلاً داریم. این‌ها هم به احتمال ۹۰ درصد، طبق آخرین اخباری که به من رسیده است، در حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی هستند و تا به حال هم هیچ‌گونه خبری به خانواده‌شان نرسیده که این‌ها را دستگیر کرده‌اند یا نه. خانواده‌هایشان رفته‌اند جلوی همان مقری که در خیابان شامان سنندج است تا راجع به دستگیری بچه‌هایشان سوال کنند.

خواست کارگران چه بوده؟ امروز چه خواست‌هایی را بیان کرده‌اند؟

اساس این بود که امروز که روز جهانی کارگر است، باید بتوانیم این روز را برگزار کنیم. دوم این که خواست ایجاد تشکل‌های کارگری مستقل بوده که چند سالی است در دستور کار فعالین در ایران قرار گرفته است. آزادی بی‌قید و شرط محمود صالحی بوده، پشتیبانی کردن از کلیه حرکت‌های اعتراضی زنان، دانشجویان و معلمان و خواست آزادی بی‌قید و شرط کلیه فعالین معترض که در چند ماه گذشته در حرکت‌های اعتراضی معلمان دستگیر شده‌اند. در ضمن الان با موبایل من تماس گرفتند و گفتند که آقای ابوبکر فتنی را هم دستگیر کرده‌اند که یکی از کارگران اخراجی نساجی شینبافت در سنندج است. بدین ترتیب ما اسامی‌ای داریم از کسانی که برگزارکننده مراسم بوده و دستگیر شده‌اند.

مراسم به چه طریق به پایان رسید؟

در دقایق آخر که بچه‌ها را می‌گرفتند، من هم تقلا می‌کردم تا آنها را از زیر حمله درآورم. یکی از دوستان را که می‌کشیدم، اسپری کوچکی را که در جیبشان بود روی سر و صورت من پاشیدند. فقط می‌دانم که پس از ۷ یا ۸ دقیقه ما در محله دیگری آمده بودیم، نزدیک همان خیابان سفری، مردم مرا کشیده بودند توی خانه‌ای تا به من کمک کنند. از همان مسیر آمده بودند توی خیابان سفری. مسیر بین سفری و میدان آزادی با شعار "محمود صالحی آزاد باید" گرد، "زندان سیاسی آزاد باید گردد" را آمدند و یگان ویژه آمده و کلاً همه را متفرق کرد. تا این لحظه که من با شما حرف می‌زنم در نقاط حساس شهر سنندج نیروهای امنیتی ایستاده‌اند و هر گونه تجمع را متفرق می‌کنند.

آقای سهرابی بسیار سپاسگزارم از وقتی که در اختیار ما قرار دادید. چیز خاص دیگری هست که بخواهید بگویید؟

بهزاد سهرابی: روز جهانی کارگر در سراسر دنیا تبدیل به سنت طبقاتی شده است. در این روز کارگران راحت به میادین و شهرها و خیابانها می‌آیند، از مراکز کارگری می‌آیند و تظاهرات می‌کنند و پرچم طبقاتی خود را برای بیان خواستشان بلند می‌کنند و پلیس از آنها حمایت هم می‌کند. متأسفانه در ایران به خاطر برگزاری چنین روزی که حتی در خود قانون کار هم به اسم تعطیلی آمده، نمی‌گذارند ما چنین مراسمی را برگزار کنیم. من از فعالین و محافل کارگری خارج از ایران می‌خواهم که این را انعکاس خبری بدهند که چرا طبقه کارگر در ایران نمی‌تواند و اجازه نمی‌دهند بعد از ۲۶۵ روز کار کردن پشت دستگاه‌های تولیدی، این روز را آن طور که خود می‌خواهد برگزار کند.

از محافل کارگری و سازمانهای حقوق بشر تقاضا دارم که به این مسئله انعکاس خبری بدهند که آیا طبقه کارگر در ایران حق ندارد یک روز را در سال داشته باشد و بتواند مطالبات خودش را در حالتی آرام، نه به صورت اغتشاش بیان کند. اینها که می‌آیند، وادار می‌کنند که به اغتشاش کشیده بشود. ما تظاهراتی کاملاً آرام داشتیم و تقاضا هم از ایشان کردیم. اما آنها به ما اجازه ندادند. این حق طبیعی هر کارگری است که بتواند روز خودش را به هر طریقی که می‌خواهد برگزار کند، ولی متأسفانه این روز هنوز برای ما قابل اجرا نیست و برگزارکنندگان این مراسم با تهدید و زندان و اخراج و این مسائل روبرو می‌شوند که نمونه بارز آن آقای محمود صالحی است که به ایشان به خاطر مراسم سال ۱۳۸۳ یک سال حکم داده‌اند.

مصاحبه‌گر: کیواندخت قهاری

اطلاعیه شماره ۲ اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

فراهوان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

به مردم سندج

کارگران، معلمان، دانشجویان؛ جوانان

سه روز از سرکوب وحشیانه مراسم اول ماه مه و ضرب و شتم و بازداشت کارگرانی که در این مراسم حضور داشتند می گذرد. در طول این مدت علیرغم پیگیری خانواده های بازداشت شدگان، این کارگران همچنان در زندان به سر می برند و تازه، ماموران سرکوب طی دیروز و امروز شیث امانی، خالد سواری و طیب چتانی را نیز بازداشت کرده و همچنان به دنبال بازداشت سایر اعضای هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار هستند.

کارگران بازداشتی هیچ کاری جز دفاع از حقوق انسانی شان و برگزاری مراسم اول ماه مه که حق مسلم آنها است نکرده اند. سرکوبگران با بازداشت محمود صالحی در پیش از اول ماه مه، تلاش کردند تا با ایجاد جو رعب و وحشت مانع از برگزاری مراسم اول ماه مه بشوند، اما اعضای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و دیگر فعالین کارگری در مقابل این وضعیت تسلیم نشده و در اقدامی جسورانه و حق طلبانه، اقدام به برگزاری مراسم این روز کردند. این حق ماست که اول ماه مه را برگزار کنیم، تشکل های خود را بر پا داریم و از حقوق انسانی مان دفاع کنیم. هیچکس نمی تواند این ابتدائی ترین حقوق انسانی را از ما کارگران سلب کند.

تعرض به کارگران، به دلیل برگزاری مراسم اول ماه مه و ضرب و شتم آنان، لگد مال کردن وحشیانه ابتدائی ترین حقوق انسانی کارگران است. بدیهی است، اگر ما امروز اجازه دهیم تا ابتدائی ترین حقوق تولید کنندگان اصلی ثروت در جامعه، این چنین لگد مال شود، می باید فردا برای نفس کشیدن در خانه هایمان نیز، از حکومتگران <

برگرفته از سایت اخبار روز:

بازداشت فعالان کارگری در سندج ادامه دارد

گزارش ها از سندج حاکی است که بازداشت فعالان کارگری در این شهر، پس از مراسم روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، ادامه دارد و چهارشنبه شب، ۱۲ اردیبهشت، و روز پنجشنبه، ۱۳ اردیبهشت، دو نفر دیگر از فعالان کارگری بازداشت شده اند.

جعفر عظیم زاده، سخنگو و عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران، در باره مراسم روز اول ماه مه به رادیو فردا گفت: «تجمع صدها کارگر کارخانه های مختلف سندج در مقابل اداره روابط کار این شهر، در شرایطی آغاز شد که نیروهای امنیتی و انتظامی درمحل برگزاری تجمع مستقر شده بودند».

وی افزود: «با شروع قرائت قطعنامه اول ماه مه توسط شیث امانی، رئیس هیات مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران، نیروهای امنیتی حمله کردند و او را بازداشت کردند. اما با مقاومت کارگران مجبور شدند آقای امانی را آزاد کنند. این در حالی بود، که زانوی چپ وی بر اثر ضرب و شتم ماموران به شدت آسیب دید و توسط کارگران به بیمارستان انتقال یافت».

جعفر عظیم زاده به اشاره به تظاهرات کارگران بعد از درگیری ها گفت: «کارگران به سوی میدان آزادی سندج راهپیمایی کردند که در این مسیر نیز با گاز اشک آور و باتوم مورد حمله قرار گرفتند. در این حمله ۱۵ کارگر، از جمله پنج تن از اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران، بازداشت و عده بسیاری مجروح شدند».

کسب تکلیف کنیم. اینان از ما کارگران توقع دارند تا همانند بردگان هزاران سال پیش، هم فقر و گرسنگی مفرد و بی پایان را متحمل شویم و هم صدایمان در نیاید. اما ما ذره ای از حقوق انسانی خود کوتاه نخواهیم آمد.

مردم آزادی خواه و برابری طلب!

ما در اعتراض به این وضعیت ضد انسانی و دفاع از حقوق کارگرانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شده اند، شما را فرا می خوانیم تا به اتفاق هم و دوشادوش خانواده های کارگران بازداشتی، ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۶ در مقابل دادگاه، در میدان بسیج سندج گرد هم آئیم و متحدانه خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه کارگران بازداشتی و محاکمه عاملین و آمرین حمله به کارگران شویم.

زنده باد اول ماه مه - زنده باد آزادی و برابری

۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۶



تهران - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶

به گفته این فعال کارگری، نیروهای امنیتی که نتواسته بودند در روز چهارشنبه، شیث امانی، رئیس هیات مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران را بازداشت کنند، یک روز پس از روز جهانی کارگر، وی را دستگیر کردند.

وی افزود: «طیب چتانی، فعال مستقل کارگری و کارگر کارخانه پرریس، ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه چهارشنبه شب در منزل خود، و خالد سواری، نایب رئیس اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار، ساعت ۱۰ صبح در پاساژ نور در میدان آزادی سندج، توسط چهار تن از ماموران حفاظت اطلاعات بازداشت شدند».

آقای عظیم زاده همچنین خبر داد که خانواده های ۱۸ فعال کارگری بازداشت شده، ساعت هشت صبح در مقابل استانداری کردستان در سندج تجمع کردند و خواستار آزادی بازداشتی ها شدند، و نیروی انتظامی تلاش کرد که آنان را متفرق کند.

در همین ارتباط، جعفر عظیم زاده به نامه اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران، به سازمان های بین المللی کارگری، اشاره کرد و گفت: «ما با تشریح اوضاع، خواستار اقدام کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری برای آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت شدگان شده ایم».

بر اساس این گزارش، اسامی برخی از کارگرانی که بازداشت شده اند، عبارت است از: شیث امانی، صدیق کریمی، اقبال لطیفی، یدالله مرادی، نجمه الدین رجبی، فاروق گویلی، انور مفاخری، صدیق امجدی، حبیب الله کلکانی، محی الدین رجبی، صدیق صبحانی، خالد سواری و طیب چتانی.

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۶ - ۳ مه ۲۰۰۷

مارکسیسم برای قرن ۲۱

از تاریخ ۲۰ تا ۲۲ آوریل ۲۰۰۷ در شهر برلین کنفرانسی به نام "مارکسیسم برای قرن ۲۱" برگزار می‌گردد. در بحث‌های تدارکاتی قبل از این کنفرانس، مارکسیست‌های "یونگه ولت" چهار منطق تئوریک را مورد بحث قرار داده‌اند:

- ۱ - چه چیزی "مارکسیسم برای قرن ۲۱" را ضروری می‌سازد؟
- ۲ - تفاوت این مارکسیسم با مارکسیسم قرن ۲۰ و یا قرن ۱۹ در چیست؟
- ۳ - چه مشخصاتی از مارکسیسم کنونی باید جزء مارکسیسم برای قرن ۲۱ باشد؟
- ۴ - ثقل تئوریک این مارکسیسم بر چه بستری استوار است؟

به دست آوردن برتری

Paul Cockshott - Junge Welt

برگردان ناهید جعفرپور

نشریه "یونگه ولت": اولین پاسخ را ما از "پاول کوکس هوت" دکتر اقتصاد و انفورماتیک از دانشگاه گلاسگو دریافت نمودیم. وی به همراه "آلیم کوتل" کتاب "آلترناتیوهای کامپیوتر برای برنامه ریزی سوسیالیسم و دموکراسی مستقیم که توسط انتشارات "پای پی رزا" در سال ۲۰۰۶ در کلن - آلمان منتشر شد را به تحریر در آورده است. وی می‌گوید:

از منظر مشخصی، وضعیت مارکسیسم اوائل قرن ۲۱ بیشتر با مارکسیسمی که در اواخر قرن ۱۹ بود ربط پیدا می‌کند. در هر دو مورد، مارکسیسم با جهانی درگیر است که در آن شیوه تولید سرمایه داری تسلط دارد. در حالیکه در کتاب "اریک هوبس باوم" مورخ بریتانیایی به نام "قرن بیستم کوتاه" مرحله ۱۹۱۴ تا ۱۹۹۰، سیاست جهان تحت تاثیر مبارزه اعصابی میان سرمایه داری و سیستم اقتصادی سوسیالیستی است و این حقیقت به مارکسیسم کاراکتری کاملاً متفاوت از مرحله نخستین اش، یعنی فاصله زمانی میان سال‌های ۱۸۴۸ و ۱۹۱۴ داده است.

در هر مرحله‌ای، مارکسیسم می‌بایست خواست‌های تئوریک و سیاسی خویش را مطرح نماید. در قرن ۱۹ دو مسئله اساسی خود را نشان داد: اولی شناخت پرولتاریا به عنوان طبقه و حزب سیاسی بود. از این رو مارکس و انگلس در سال ۱۸۴۸ "مانیفست حزب کمونیست" را به تحریر درآوردند. دومین مسئله نقد اقتصاد سیاسی بورژوازی و استقرار اقتصاد سیاسی کار بود. در این باره در سال ۱۸۶۷ از سوی کارل مارکس کتاب "سرمایه" یا "کاپیتال" به تحریر درآمد. سئوالات مشخصی چون شکل جامعه کمونیستی آینده در کتاب (کارل مارکس/ فریدریش انگلس، نقد به برنامه گوتا) و یا شکل سیاسی رهبریت طبقه کارگر در کتاب (کارل مارکس، جنگ داخلی در فرانسه) طرح و بررسی گردید.

با نگاهی به قرن ۲۰ ما با سئوالات متفاوت دیگری روبرو می‌شویم. چگونه باید تصورات کمونیستی گسترش یابند؟ لنین در سال ۱۹۰۲ در کتاب "چه باید کرد" به این سئوال که چگونه می‌تواند جنبش کمونیستی به طور واقعی به قدرت برسد پاسخ داد. سپس وی در سال ۱۹۱۸ در کتاب "دولت و انقلاب" مطرح نمود که چگونه اقتصاد را باید سازماندهی نمود، زمانی که انقلاب پیروز شده است.

"پروبراشنسکی" در سال ۱۹۲۶ کتاب "سیاست اقتصادی جدید" را نوشت و در آن راه حل‌های پیشنهادی‌ای چون چگونه انقلاباتی که هنوز کاملاً کاپیتالیستی نیستند در جوامع پیروز می‌شوند را مطرح نمود. این مسئله ذهن مائو تسه تونگ را در سال ۱۹۲۸ در کتاب "چرا سرخ‌های چینی باید قدرت سیاسی را بخواهند" به خود مشغول ساخت. در سال ۱۹۶۷ چپ‌های شانگای از خود سئوال می‌کنند که چگونه می‌توان بعد از انقلاب در مقابل خطر ضد انقلاب مبارزه نمود؟

با نگاهی به گذشته، به این نتیجه می‌رسیم که سوسیالیسم در اواسط سال‌های ۷۰ به نقطه اوج خود رسیده بود. در حالی که انقلابیون ویتنامی آمریکائی‌ها را از سایگون بیرون می‌راندند و پرتقال به عنوان آخرین قدرت استعماری از آفریقا بیرون رانده می‌شد، در سال‌های ۸۰ و ۹۰ در چین با شکست انقلاب فرهنگی پیروزی ارتجاع آغاز گشت. با گذشت ۹ ماه بعد از مرگ مائو در ماه یولی ۱۹۷۷، دنگ چیاو پینگ (۱۹۹۷ - ۱۹۰۴) رهبریت چین را به دست گرفت و درهای اقتصاد چین را برای سرمایه داران غربی بازگشود و ارتش ذخیره عظیمی از نیروی کار ارزان به کفه ترازو پرتاب گردید. عملکرد سرمایه در سرتاسر جهان باعث شد تا مبارزه طبقه کارگر یک به یک کشورها با سرمایه، شدت و قوت یابد. این چنین است که ما امروز با توده‌ای از سئوالات متفاوت روبرو گشته‌ایم. در شرایط حاضر، در پیرامون روشنفکری و ایدئولوژیکی عمومی ما در مقایسه با قرون گذشته، اوضاع کمتر به نفع سوسیالیسم است و این تنها نمی‌تواند پیامد ضد انقلاب در پایان قرن ۲۰ باشد، بلکه بیشتر با نفوذ جدید اصول کلاسیک اقتصاد سیاسی بورژوازی در رابطه است. پیروزی مجدد این نظم علمی نه تنها اقتصاد غرب را تغییر داد، بلکه همچنین بستر ایدئولوژیکی را برای ضد انقلاب در شرق هم آماده ساخت. تدارک ایدئولوژیکی چرخش به سوی بازار آزاد که در سال‌های ۸۰ اتفاق افتاد، خیلی قبل تر از آن، از سوی تئوریسین‌های اقتصادی راست چون "فریدریش آگوست فون هایک" (۱۹۹۲ - ۱۸۹۹) و "میلتون فریدمن" (۲۰۰۶ - ۱۹۱۲) انجام پذیرفت. ایده‌های آنان که در سال‌های ۵۰ و ۶۰ هنوز به عنوان ایده‌های افراطی خطاب می‌شد، از طریق فعالیت‌های مسیونرهای سازمان‌های هائی چون انستیتوی لندن برای امور اقتصادی و انستیتوی آدام اسمیت که همچنین مرکزش در لندن بود و نفوذ بسیار داشت، تبلیغ می‌شد. دانشمندی که در این انستیتوها تحقیق می‌کردند یک سری از کتاب‌ها و مقالاتی را منتشر می‌نمودند که در آن‌ها برای مشکلات اقتصادی موجود راه حل وارد شدن به بازار آزاد را توصیه و پیشنهاد می‌کردند. نوشته‌های آن‌ها از سوی بسیاری از سیاستمداران با نفوذ چون مارگارت تاچر نخست وزیر اسبق بریتانیا پشتیبانی می‌شد و از سال‌های ۸۰ ایده‌های آنان در عمل پیاده شدند.

چرخش به سوی بازار آزاد برای تاچر از طریق ترکیبی از تغییرات آمارگرفته شده طولانی مدت و حوادث تصادفی کوتاه مدت ممکن گردید: در بریتانیا نیروی کار کم بود اما در آسیا این نیروی کار در هر سوراخی به فراوانی وجود داشت. سرمایه دار بریتانیایی برای خودش این حق را قائل شد و از این آزادی برخوردار شد که به فراوانی از این مسئله به نفع خود استفاده کند و از این طریق مناسبات مبادله‌ای میان کار و سرمایه را در کشور خودش تغییر داد. کارگران و سازمان‌هایشان دیگر در موضع قدرت قرار نداشتند و ضعیف شدند. بریتانیا برای این که از نیروی کار در خارج بهره‌مند شود، احتیاج به یک تجارت خارجی جداگانه سودمند داشت. این تجارت خارجی سودمند را آن زمان تجارت با نفت از طریق انگلستان به دریای شمال تامین می‌نمود. این سود جداگانه به لندن اجازه می‌داد که سرمایه اش را به کشور های مختلف صادر کند و این خود پیش شرط فرستادن صنعت از بریتانیا به آسیا بود. دقیقاً از همینجا، جا به جا شدن توازن قوا میان صنعت و سرمایه مالی نتیجه شد، زیرا که برای اقتصادی که می‌خواهد نفت صادر کند، دیگر صادرات صنایع از ضروریات اولیه نخواهد بود. تا آن زمان این کارگران بودند که برای صادرات که برای زندگی اقتصاد ملی بریتانیا بسیار مهم بود تولید می‌کردند. اما با نگاهی به بیلان سودهای حاصله از سرمایه مالی، اکنون دیگر سرمایه داری می‌توانست به خود اجازه دهد که بخش تولید داخلی را بدون ترس از بحران بیلان پرداختی‌ها منهدم کند. این انهدام آگاهانه بخش تولید داخلی باعث گردید تا بستر اجتماعی برای سوسیالیسم دموکراسی همواره تنگ تر گردد و همچنین طبقه کارگر چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی ضعیف تر شود و شعار مارگارت تاچر یعنی "هیچ آلترناتیوی برای سرمایه داری وجود ندارد" مورد قبول همگان قرار بگیرد. رهبریت تفکر بازار اقتصادی آزاد در اوائل قرن ۲۱ آنچنان قوی شده بود که سوسیالیسم دموکرات‌ها و کمونیست‌ها هم به مانند مارگارت تاچر آنرا مورد قبول قرار دادند.

این تفکرات، ایدئولوژی و منافع طبقاتی و تسلط و نفوذ خود را مدیون سرمایه بوده‌ومی‌باشند: از پروژه‌های کار "سرمایه داری" بیانیه حقوق بشر در آمریکا (۱۷۷۶) و در فرانسه (۱۷۸۹) و همچنین پروژه آدام اسمیت (۱۷۹۰ - ۱۷۲۳) و پروژه "رفاه ملت" (۱۷۷۶) را می‌توان نام برد. □

بعد از مقاله ۲۰۰۷/۳/۴ پاول کوکس هوت از "یونگه ولت"، اکنون مقاله دکتر "روبرتو فینیشی" فیلسوف ایتالیائی از "سینا" ارائه می شود. وی که در سال ۲۰۰۲ جایزه "داوید رجانو" را دریافت نمود، عضو جامعه بین المللی هگل - مارکس برای تفکر دیالکتیکی است.

موش کور همچنان نقب می زند

Roberto Fineschi

برگردان ناهید جعفرپور

بستر برای مارکسیست ها

تا کنون ما از تفسیر و توضیح جهان صحبت نمودیم اما آیا موضوع نباید بر سر تغییر جهان دور بزند؟ از این رو ما مجدداً روی سخن را از هگل بر می گردانیم و توجه مان را به مارکسیسم معطوف می داریم. اما در ابتدا قبل از این که بخواهیم به سؤال "مارکسیسم قرن ۲۱" پاسخ دهیم، بهتر است که بدانیم که اصولاً "مارکسیسم" چیست. در فرهنگ لغت جامع "لعل"، در واژه راهنمای کارل مارکس، لنین (۱۸۷۰ - ۱۹۲۴) می نویسد: "مارکسیسم سیستم درک و فهم و عقیده و اندیشه کارل مارکس است". سپس وی (منظور لنین است) در ادامه به تشریح قوائد کلی نظریه کارل مارکس پرداخته و درخاتمه، نوشته اش را با بخشی در باره تاکتیک پرولتاریا به پایان می رساند.

من قصد ندارم که در یک قضاوت کلی لنین را به عنوان یک سیاستمدار و نظریه پرداز معرفی کنم، اما با توجه به تفاوت های طرح شده میان شکل و قالب، من مارکسیسم را بیشتر به عنوان پراتیک سیاسی که تحت تاثیر نظریه مارکس قرار دارد تعریف می کنم.

با تئوری مارکس و درجه مفهوم کلی و انتزاعی اش، همزمان می توان نشان داد که هیچ پراتیک سیاسی بلافاصله از تئوری اش مشتق نمی شود. بدیهی است که علاقه مفرط سیاسی مارکس نباید باعث فراموشی علاقه مفرط تئوریک وی باشد: کاپیتال قبل از همه یک تئوری است که سیاست و پراتیک عملی را ناشی می شود اما نه بلافاصله. مارکس تئوریسینی نبود که به پراتیک عملی رجحان دهد. او توانست انسان زمان خودش را از طریق علم آن زمان و از طریق درک شناخت عاقلانه تاریخ هگل، به طور حقیقی بشناسد. همچنین به پراتیک عملی و نقطه حرکت فاعلی در تئوری وی برخورد شده است. اما به هیچ وجه صحبت بر سر جهان و ارجحیت پراتیک عملی نیست.

پس هدف و منظور مارکسیسم چیست؟

ما دیدیم که در فاز های مشخص شیوه تولید سرمایه داری، اشکال قالب های متفاوتی بخود می گیرند. واسطه های چند مرحله ای که نادر هم نیستند و برای پیدا نمودن رابطه های میان اشکال و قالب ها ضروری اند، سخت قابل درک اند. هدف مارکسیسم این است که به دلیل تجدید بنای منطقی این واسطه ها، توانائی سیاسی فاعلی را مشخص کند و با هم سازماندهی نماید و همچنین اهداف عملی قابل صدور را به آن سازمان اضافه کند تا در نهایت به برداشتن شیوه تولید سرمایه داری ختم گردد.

قصد تغییر جهان متضمن این است که در ابتدا این جهان به طور روشن و مدلل تعبیر و تفسیر شود. راه های بسیاری از مراحل واسطه ای میان شکل و قالب کار تئوریک مشکلی دارد که نه تنها پیچیده است، بلکه در سازماندهی و تجدید بنای واسطه های امکانات مختلف تئوریک خود را نشان می دهند. یک چنین سؤال هائی می توانند پاسخ های عملی متفاوتی داشته باشند. موقعیت های مختلفی امکان پذیرند و در مقیاس مشخصی قابل دفاع می باشند و از این طریق مارکسیست های متفاوتی نتیجه می شوند. مارکسیسم ضروریست زیرا که ایجاد عاقلانه تر واژه کنونی "شکل اشتراکی جامعه ای پیروانسانی" می تواند تنها بر اساس مقوله های مارکسیسم به اجرا در آید.

من به لحاظ تئوریک بر این اعتقادم که اساس و بنیاد بررسی مارکس در باره شیوه تولید سرمایه داری درست است. از این طریق کاراکتر متضاد جامعه کنونی قابل توضیح است. پیامدهای غم انگیز دورانی این تضاد ها برای همه کم و بیش آگاهانه روشن است. در این وضعیت یا می توان پاسیو بود یا فعال. هر دوی این حالات به دلایل بعدی از لحاظ سیاسی قابل درک است. طبق نظر مارکس و همچنین برای یک عضو جامعه قبول موضع سیاسی اجتناب نا پذیر است. از این رو قاعدتاً ممکن است که یک موضع سیاسی تحت تاثیر تئوری مارکس قرار گیرد و در نتیجه این موضع سیاسی در مفهوم خاصی چیز دیگری نخواهد بود جز مارکسیسم. این مقیاس فردی را بعد از مورد شوروی چشم اندازی سازمان یافته و برنامه ریزی شده دادن، خواستی به لحاظ تئوری و سیاسی ساده خواهد بود.

پاسخ به سئوالات باز

مارکسیسم قرن ۲۱ در ابتدا باید پاسخ هائی برای سئوالات مختلف تئوریک که هنوز باز می باشند پیدا نماید. زیرا که تفاوت مارکسیسم قرن ۲۱ از مارکسیسم قرن ۱۹ در ابتدا شناختی دقیق از میراث مارکس است. آگاهی تئوریک از تفاوت میان مدل تئوری مارکس و دستورعمل های ممکنه مختلف از نظریه وی میان اشکال و قالب ها در سرمایه داری، اولین قدم در راه رسیدن به پراتیک عملی است.

در گذشته می شد فلاسفه ای را (حداقل در ایتالیا) مشاهده نمود که بدون این که تئوری سرمایه را در نظریه شان دخالت دهند، حقه بازی بیشمار می کردند. از سوی دیگر اقتصاد دانانی هم وجود داشتند که به منطق های فلسفی، دیالکتیک نمود سرمایه در بررسی منطقی ساختار مفهوم سرمایه بی توجهی می کردند.

کماکان عمل گرائی جنبش مارکسیستی باعث شد تا آن به اصطلاح تقدس سیاسی، کم کم بی ربط با تئوری وحدت میان "تئوری و عمل" که مارکسیسم را تشکیل می دهد، تشدید شود. همچنین از این جهت که تئورسین ها برای مثال ادبیات مارکسیستی را به میل خود تفسیر نموده و با طرح مسائلی چون به اصطلاح "تئوری ارزش کار" (عبارتی که مارکس هیچ گاه به کار نبرده است) خود را مشغول نمودند.

همچنین تک تک بخش های نظریه مارکس را از هم مستقل نمودند و جداگانه از آن مجدداً یک جهان بینی کلی ساختند. بسیاری از مارکسیست ها از تک تک نوشته هائی چون "تزهائی در باره فویرباخ" و یا مقدمه به "نقد اقتصاد سیاسی" و یا مقدمه ۱۸۵۷ حرکت نموده و معتقد شدند که کلید شناخت روشن جهان را در اختیار دارند.

بخشا کمبود تئوری به ماجراجویی عملی کشیده شد و بخشا هم آن تئوری که تمایل به عمل داشت این ضرورت را ندید که خود را با کمبود های بنیادی مشغول سازد. نهایتاً ما امروز از تجربیات گذشته مارکسیست ها، بخشی تجربیات غم انگیز داریم و بخشی تجربیات مثبت که باید از این تجربیات بیاموزیم.

به چند مثال رجوع می کنیم. مثلاً برنامه ریزی اقتصادی را در نظر می گیریم. طبق نظریه مارکس این باید راه حلی عقلانی برای آنارشیسم اقتصادی سرمایه داری باشد و همچنین باید مولد تر از شیوه تولید سرمایه داری باشد. اما در شوروی این نشد. این تجربه و این راه حل که در آنجا به کار گرفته شد می بایست در ابتدا به طور بنیادی بررسی شود تا بتوان بدیلی برای اقتصاد در حرکت سرمایه داری به وجود آورد.

همان طور که گفته شد، مارکسیسم آجراندازه گیری برای متحد الشکل شدن نیست.

آنتونیو گرامشی (۱۹۳۷ - ۱۸۹۱) در دفترهای زندانش با شیوه بحث انگیزی خود را تئورسین عمل می داند و این مسئله تا حدودی به لحاظ تئوری و پراتیک برای وی تقدس خطرناکی را به همراه آورد. از سوی دیگر او بررسی مفصل و مشروحی را در باره ساختارهای آن زمانی جامعه و تاریخ ایتالیا انجام داده است. تئوری هژمونی وی می تواند در این رابطه تفسیر گردد.

دومین مثال دی منگل فون لوکاسس (۱۹۷۱ - ۱۸۸۵) است که تئوری تساوی دستمزد ها در تاریخ و خودآگاهی طبقاتی وی برای مثال از سوی او بعد ها در تحقیقاتش به نام "بررسی نظری هستی اجتماعی" مورد قبول قرار گرفت. این پروسه در واقع یک پروسه انتقاد از خود است که به لحاظ متدیک باید به آن توجه نمود.

مبارزه طلبی یک مارکسیسم جدید همچنان همیشه به مفهوم توانائی پیوند دادن میان تئوری با عمل است بدون این که یکی را به نفع دیگری به فراموشی سپرد و یا تئوری را به عنوان کاری مستقل در نظر گرفت. بدون یک تئوری خوب، یعنی آن چیزی که ما هم اکنون بخشا در اختیار داریم، عمل ما در بعد وسیع از کنترل خارج خواهد شد.

موضع این مقاله می تواند روشنفکرانه به نظر رسد. شاید هم به لحاظ وضعیت تاریخی کنونی چنین به نظر می رسد: امروز ما در شرایطی قرار داریم که روشنفکران، سیاستمداران و کارگرانی که به نحوی به نظریات مارکس در موضع گیری ها و آکسیون هایشان تکیه دارند، در فازی قرار گرفته اند که این فاز نتیجه دوران شکست است. فروپاشی که ما تجربه نمودیم قربانیان سیاسی و روحی بسیار داد. همان طور که گرامشی در خاطرات زندانش نوشته است: "این گونه لحظات، لحظاتی هستند برای تفکر".

شاید مارکسیست ها سخت می کوشند اشتباهات بعدی خویش را تدارک ببینند. برتولت برشت (۱۹۵۶ - ۱۸۹۸) می نویسد: "در راه رسیدن به یک فورمسیون جدید اجتماعی، بسیاری از اشتباهات قابل رویت و قابل پیش بینی می باشند." □

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

کارگر

ای که میگرد اهل دلید
نرخ ما از شما شکست
هر کدوم از شما اومد
به اسم ما بارشو بست
شما پی پول و پله
ما عاشقییم و کم مواس
شما به فکر بیشترید
ما کمترین و آس و پاس
شما به فکر برج و ما
فکر مقوق سربرج
شما همیشه سیر و ما
گرسنه تا آخر برج
سفره رنگین شما
جایی واسه نون نداره
سفره ما فالیه و
یه عمره مهمون نداره
جنگ اومد و قایم شدید
ما عاشقانه خون دادیم
غنایمش مال شما ست
اگرچه ما جوهون دادیم
مالا پی شد که ما شدیم
غریبه و شما فودی
شما همه کاره شدید
ما این میونه نفودی
میگذره این روزای بد
نوبت ما هم می رسه
فصل غزل باز می آد
عمر مباب یک نفسه

شاعر: داود نوروزی

مسئول کمیسیون فرهنگی
سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه



روز همبستگی جهانی کارگران گرامی باد

مفهمه ۲۴

همه شواهد و تجارب ۲۸ سال حکومت جمهوری اسلامی بیان گر این مساله است که، تعرض و تهاجم این رژیم به کارگران و مزد و حقوق بگیران و سیاست های ضد کارگری آن به خودی خود متوقف نخواهد شد. تحقق خواست ها و مطالبات کارگران و بهبود شرایط زندگی آنان در گرو مبارزه متشکل، آگاهانه و سازمان یافته آنان است و پیوند و تقویت این مبارزات، ضرورتی اجتناب ناپذیر در راه برچیدن بساط جمهوری اسلامی و برای برقراری آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی.

در عرصه بین المللی نیز در یک سال گذشته امپریالیسم جهانی با سیاست های نئولیبرالی به تعرض خود بر علیه حقوق کارگران و زحمتکشان در تمامی کشورهای جهان اعم از فقیر و غنی ادامه داده و جنگ و خشونت را دامن زده است. اما از سوی دیگر، کارگران و زحمتکشان از طریق اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری، به همراه جنبش های صلح خواهی و احزاب چپ و مترقی جهان، بیش از گذشته در مقابل تعرضات نئولیبرالیسم مقاومت کردند.

در آستانه اول ماه مه رژیم جمهوری اسلامی، محمود صالحی یکی از فعالین کارگری را به دلائل واهی دستگیر و روانه زندان کرد. دلیل اصلی دستگیری محمود صالحی تلاش برای جلوگیری از برگزاری مستقل مراسم اول ماه مه از سوی کارگران است. کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران خواهان آزادی بی قید و شرط آقای محمود صالحی و رفع اتهام از ایشان است.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن حمایت، همیاری و دفاع همه جانبه و قاطعانه از خواست ها و مطالبات کارگران ایران، با صمیمانه ترین شادباش ها فرارسیدن اول ماه مه، یازدهم اردیبهشت، روز همبستگی جهانی کارگران را به همه کارگران جهان و به ویژه کارگران، زحمتکشان و مردم ایران تبریک و تهنیت می گوید و به همه پیکارگران راه آزادی، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم درود می فرستد.

کمیته مرکزی

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

یازده اردیبهشت ماه ۱۳۸۶

اول ماه مه ۲۰۰۷

در سال گذشته جلوگیری از برپائی تشکل های مستقل کارگری همچنان عرصه دیگری بود که رژیم و دولت نهم به کارگران تعرض و تهاجم کردند. رژیم برای جلوگیری از متشکل شدن کارگران و ایجاد تشکل های مستقل کارگری با سرکوب و پیگرد فعالان کارگری و به محبس انداختن آنان، به سیاستها و اقدامات ضد دموکراتیک و ضد کارگری خود ادامه داده است.

اما امید های نو و واقعی درسال جاری، مبارزه، اتحاد و فضای جدیدی است که کارگران ایران آن را ایجاد کرده اند. در سال گذشته ضمن گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگران مانند اعتصاب کارگران ایران خودرو، به همراه حرکت هایی که ایجاد تشکل های کارگری را مورد توجه داشتند و تشکل هائی مانند "سندیکای کارگران شرکت واحد" و "تشکل سراسری کارگران بیکار، اتحاد کمیته های کارگری" و اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگران در اقصی نقاط کشور، گام های مهمی در راستای مبارزه حول مسائل و خواست ها، ضرورت ها و مطالبات و اتحاد و همبستگی میان کارگران به جلو برداشته شد. این اقدامات و مبارزات همگی برآمد، روندی چند وجهی است، که مهمترین وجوه آن عبارت بودند از:

۱ - در حالی طبقه کارگر ایران بر پائی و ایجاد تشکل های مستقل کارگری را در محل کار، منطقه ویا در حد سراسری پی می گیرد، گام هائی نیز به جلو برداشته و تشکل های مستقلی را نیز بر پا کرده است.

۲ - جنبش کارگری ایران ضمن مبارزه برای خواست ها و مطالبات طبقه کارگر و بهبود شرایط زندگی کارگران از مبارزات و مطالبات جنبش های زنان، معلمان و دانشجویان دفاع و حمایت کرده و پیوندی با این جنبش ها برقرار کرده است. شعار کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد، زمینه تحقق واقعی می یابد.

۳ - کارگران ایران در راه زدودن تفرقه و پراکندگی و همچنین برای برقراری اتحاد و همبستگی طبقاتی در میان خود توانستند گامی به جلو بردارند. با اعلام موجودیت «شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری» ظرفی برای اتحاد عمل میان همه گرایش های کارگری ایجاد گردید.

۴ - کارگران ایران توانستند رابطه مستحکم و پایداری را با نهاد ها و اتحادیه های کارگری در سطح بین المللی بر قرارکنند.

گزارشی از برگزاری مراسم اول ماه مه در پاریس

روز همبستگی جهانی کارگران در پاریس با حضور صدها تن از ایرانیان آزادیخواه و مدافعین حقوق کارگران ایران برگزار شد. در این مراسم که به خاطر دوئل انتخابات ریاست جمهوری بین "چپ و راست" بیش از دو برابر سال گذشته طرفداران همبستگی جهانی کارگران را به خیابان ها کشانده بود، ایرانیان آزادیخواه مقیم پاریس در صفی واحد و همصدا، خواسته های کارگران و زحمتکشان ایران را با پخش هزاران تراکت و تکرار مداوم شعارهای زیر به گوش کارگران و زحمتکشان فرانسه رساندند:

- "نه" به جمهوری اسلامی، "نه" به جنگ امپریالیستی
- زنده باد تشکل های مستقل کارگران ایران
- مستحکم باد همبستگی کارگران ایران و جهان
- سرنگون باد نظام جمهوری اسلامی ایران
- زنده باد آزادی، برقرار باد سوسیالیسم



در این مراسم که سه نسل مهاجر ایرانی دست در دست و دوشادوش یکدیگر در آن شرکت داشتند، گروهی از جوانان آزادیخواه ایرانی برای ترسیم شرایط خاص ایران، تأثیر متحرک خیابانی را سازمان دادند که در آن یک کارگر با دستکش و کلاه کار، یک دانشجو با کلاه مخصوص و کتاب، یک زن جوان با حجاب اسلامی، یک روشنفکر با کیف و عینک و همچنین یک همجنس دوست در این زندان زیر ضرب و شتم و ضربات دائم شلاق از طرف افرادی با ریش، عبا و عمامه قرار داشتند. این تأثیر خیابانی به خاطر بیان ساده و روشن آنچه که امروز بر مردم حق طلب سراسر ایران می گذرد، مورد استقبال و تشویق بی سابقه آزادیخواهان و زحمتکشان فرانسوی قرار گرفت. □



برگزاری مراسم به مناسبت روز جهانی کارگر در سیدنی - استرالیا

در دو دهه گذشته، در خدمت به سرمایه داری و رشد نئولیبرالیسم، با گسترش انحصارات فراملی و تبلیغات فریبکارانه و سازماندهی عظیم ترین جنگ و کشتار و به راه انداختن جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ و اشغال افغانستان و سپس عراق، همچنان ایران، کره شمالی و نوزولاً را به بهانه های گوناگون مورد تهدید قرار داده است.

در عین حال، بیانیه در برابر این شرایط به نقش و جایگاه تعیین کننده طبقه کارگر و جنبش کمونیستی و آزادی خواهی در تغییرات آینده اشاره داشت.

در ادامه برنامه پیامی از آقای محمود صالحی یکی از فعالین جنبش کارگری که دو روز قبل از دستگیری ایراد شده بود، همراه با عکس هائی مستند از جنبش کارگری به صورت فیلم پخش شد. سپس فیلمی کوتاه از صحبت های آقای ناصر زرافشان در رابطه با آقای صالحی و دستگیری ایشان ارائه شد. بخش اول برنامه با پیام آقای بهزاد سهرابی به مناسبت روز جهانی کارگر پایان پذیرفت.

بخش بعدی برنامه با خواندن قطعنامه کمیته برگزاری مراسم به دو زبان کردی و فارسی آغاز شد که در رابطه با همبستگی با جنبش کارگری در ایران و عراق و محکوم کردن سرکوب جنبش کارگری توسط رژیم جمهوری اسلامی، دستگیری و زندانی شدن فعالین کارگری از جمله آقای صالحی وعدم پرداخت حقوق معوقه کارگران در ایران و حمایت از تغییر قانون کار رژیم بعثی و کنونی در عراق به قانون کاری که از منافع طبقه کارگر عراق حمایت کند، پایان بخش مراسم، موسیقی زنده بود.

از همه سازمان ها و افرادی که با کمک به سازماندهی و یا با شرکت خود به هر چه بهتر کردن این مراسم یاری رساندند صمیمانه تشکر می کنیم.

کمیته برگزاری روز جهانی کارگر سیدنی - استرالیا

باز تکثیر از کمیته همبستگی با کارگران ایران - استرالیا

۱۱ اردیبهشت روز همبستگی جهانی طبقه کارگر و روز اعتراض به ستم و استثمار سرمایه داری علیه بشریت است. همه ساله در سراسر جهان کارگران و فعالین کمونیست و سوسیالیست و آزادیخواهان و طرفداران جنبش کارگری در عین برپا داشتن تظاهرات و حرکت های اعتراضی، به اشکال گوناگون و هم زمان، این روز را جشن می گیرند. در استرالیا، امسال به خاطر هر چه باشکوه تر برگزار کردن این روز، تعدادی از فعالین کمونیست و سوسیالیست و کارگری با دیدگاه های مختلف دست به تشکیل یک کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر زدند. این مراسم روز شنبه ۲۸ آوریل ساعت ۷ بعد از ظهر با حضور بیش از ۱۲۰ نفر در محل تالار شهر "پاراماتا" (یکی از محله های سیدنی) با سرود انترناسیونال شروع شد. پس از خیرمقدم، به یاد کارگران کشته شده در سال گذشته یک دقیقه سکوت اعلام شد. پس از آن گفتار کوتاهی درباره تاریخچه و اهمیت روز کارگر و بیانیه به زبان فارسی خوانده شد. هم زمان، این بیانیه به زبان های انگلیسی و عربی در اختیار شرکت کننده گان انگلیسی زبان و عرب زبان قرار گرفت. قسمت بعدی شامل چند شعر و سرود و سپس ارائه قطعنامه به زبان کردی بود، بیانیه بعد از توضیح اهمیت این روز، شامل نکات زیر بود:

کارگران امروز در شرایطی به پیشواز روز جهانی کارگر می روند که سرمایه داری به رهبری آمریکا و متحدینش در عین دامن زدن به عقب مانده ترین مناسبات قومی، مذهبی، طبایفه ای، عشیرتی و ملی، خود نیز دچار بزرگترین بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. با این حال، هم زمان در حال تهاجم گسترده به کارگران در جهت فایق آمدن به بحران هایش به زیان میلیاردها کارگر و مردم ستم دیده است. این تهاجم سرمایه داری جهانی علیه کارگران و جنبش کارگری نه فقط علیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بلکه باعث گسترش فقر و بیکاری و از دست رفتن ده ها حقوق دیگر، از جمله تامین کار، تحصیل، مسکن و بهداشت و همچنین محدود کردن آزادی های سیاسی و سرکوب سازمانهای اجتماعی و ... شده است.

روز همبستگی جهانی کارگران گرامی باد



کارگران، زحمتکشان، مردم آزادیخواه ایران

اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران در ایران امسال رنگ بیم ها و امید های تازه، رنگ تداوم پیکارها برای برپائی دنیائی انسانی تر و رنگ همدلی و همراهی جهانی با کارگران ایران را دارد. اول ماه مه امسال پیام اتحاد، مقاومت و حماسه کارگران برای تحقق خواست ها و مطالبات این طبقه و دیگر زحمتکشان و همه مزد و حقوق بگیران و توده های مردم را نوید می دهد.

طی یک سال گذشته، کار بدستان جمهوری اسلامی و دولت «امام زمان» از یک سو با سیاست های تشنج آفرین و ماجراجویانه اتمی کشور را در مخاطره تحریم و تهدید جنگ قرار داده اند، از سوی دیگر تحت پوشش شعار هائی از قبیل «حق مسلم استفاده از انرژی اتمی» حقوق و آزادی های کارگران و زحمتکشان و اکثریت عظیم مردم را باز هم بیشتر تضییع کرده اند.

در سال گذشته دولت و سرمایه داری ایران برای تضمین امنیت و سود سرمایه و فراهم کردن نیروی کار ارزان و ارزانتر، غارت کارگران و زحمتکشان و مزد و حقوق بگیران را شدت بخشیدند و همچون ۲۸ سال گذشته، حق حیات آنان را مورد تعرض بیشتر قرار داده اند. تعرض به باقیمانده حقوق و دستاوردهای طبقه کارگر پس از روی کار آمدن احمدی نژاد شدت و گسترش بیشتری یافته است.

در سال گذشته در عرصه «قانونی» اقداماتی انجام گرفته است که نشان از قصد جدی برای لغو تدریجی قانون کار، مسخ و محدود کردن آن به منظور لغو تعهدات سرمایه داران، مقررات زدائی در روابط کار و تبدیل قانون کار به قانونی توصیه ای و نه اجرائی دارد. وزیر کار که در بدو گماشته شدن به وزارت کار به همراه پنج وزیر دیگر برای تغییر و «اصلاح» قانون کار به نفع سرمایه داران و گسترش بی قانونی، هرج و مرج و قانون جنگل اقدامات وسیعی را شروع کرده بود، دو پیش نویس را به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. در همین راستا در تهاجمی دیگر، طرحی ده ماده ای از سوی کمیسیون صنایع مجلس شورای جمهوری اسلامی با نام «طرح رفع موانع تولید و سرمایه گذاری» به مجلس هفتم ارائه شد. این اقدامات در جهت ایجاد تسهیلات برای سرمایه، انباشت و امنیت آن، تامین منافع سرمایه داران، خصوصی سازی و الزامات پاسخ گویی به معضلات دولت به عنوان بزرگ ترین سرمایه دار و سیستم سرمایه داری ایران، صورت گرفته است.

عرصه مهم دیگری که امروز کارگران با آن دست به گریبان اند، موضوع کار و اشتغال است. در حالی که نرخ بیکاری بسیار فراتر از ۲۰ درصد می رود، تعداد بیکاران از مرز ۵ میلیون هم می گذرد. گروه بزرگی از جوانان که حتی برای اولین بار هم نتوانسته اند برای خود شغلی پیدا کنند، گروه بزرگی از فارغ التحصیلان دانشگاهی و همچنین بخش بزرگی از زنان از اشتغال محروم اند. وزیر کار قبلا گفته بود «مساله اشتغال به این زودی ها قابل حل نیست». به عبارت دیگر، ابعاد بیکاری و بیکار سازی گسترش خواهد یافت و فقر و فلاکت بیشتری را برای کارگران رقم خواهد زد.

سیاست های دولت نهم و وزارت کار در عرصه تامین بیمه های اجتماعی، بیمه بیکاری و بازنشستگی، محدود کردن اختیارات و تحدید دامنه بیمه تامین اجتماعی، بیمه بیکاری و بازنشستگی است. شورای عالی اشتغال رژیم به ریاست احمدی نژاد، کلیات قانون کاهش هزینه های بیمه تامین اجتماعی را تصویب کرد. این به معنای آن است که دولت عملا دست سرمایه داران و کارفرمایان را در کاهش تعهدات آنان در برابر کارگران، عدم پرداخت حق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی آزاد خواهد گذاشت. این سیاست دولت علاوه بر تضعیف صندوق تامین اجتماعی، حقوق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی و بازنشستگی کارگران را مورد تعرض و دچار زیان های جبران ناپذیر می سازد.

در سال ۱۳۸۵ اگرچه حداقل دستمزدها با ترفند دو نرخ در شورای عالی کار رژیم با شرکت نمایندگان منتصب از سوی وزیر کار از میان تشکل های «جوامع اسلامی» و بسیج و باندهای وابسته به دولت احمدی نژاد و شرکای امنیتی - نظامی اش چند بار زیر خط فقر تعیین شد. اما به دلیل اعتراضات سرمایه داران و بیکار سازی گسترده کارگران و عقب نشینی وزارت کار رژیم، مصوبه حداقل دستمزد لغو و تعیین حداقل دستمزد به توافق کارگر و کارفرما موکول گردید. سرمایه داران امضای ۱۸۰ هزار تومانی گرفتند، اما حقوق ۹۰ هزار تومانی دادند. حقوق بسیاری از کارگران پرداخت نگردید. چنانکه کارگران شرکت ایران رشت چهار سال و صنایع الکترونیک دماوند ۲۵ ماه و کارگران چیت بهشهر ۵ سال حقوق خود را دریافت نکرده اند. حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۶ نیز نه بر مبنای سبد هزینه خانوار و تورم اعلام شده (ماده ۴۱ قانون کار) بلکه بر اساس شرایط اقتصادی و «مقتضیات بنگاه های تولیدی و کارفرمایان» بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران و تشکل های مستقل آنان، چند بار زیر خط فقر تعیین گردید. تا هر چه بیشتر بار بحران ساختار سرمایه داری ایران بر دوش کارگران و مزد و حقوق بگیران منتقل شود. این در حالی است که سیاست های غلط دولت، خود باعث تورم افسار گسیخته قیمت ها و موجب ایجاد امواج جدید گرانی شده است. از این رو هر ساله یا هر ماهه به اندازه تورم از قدرت خرید مزد و حقوق بگیران کاسته و به کیسه سرمایه داران و تجار، دلان و خود دولت (که عرضه کننده بخشی از کالا ها و خدمات است) سرازیر می گردد. < صفحه ۲۲

اتحاد کار

شماره ۱۴۴

اردیبهشت ۱۳۸۶ - مه ۲۰۰۷

ETEHADE KAR

May 2007

Vol. 13 - No. 144

تماس با روابط عمومی سازمان:

نامه های فود را به آدرس زیر - از یکی از کشورهای خارج - برای ما پست کنید.

آدرس سازمان در فرانسه:

AZAMI
116 RUE DE CHARENTON
75012 PARIS, FRANCE

آدرس پست الکترونیکی سازمان:

etehadefadaian@wanadoo.fr
info@etehadefadaian.org

آدرس صفحه سازمان در اینترنت:

www.etehadefadaian.org

تلفن: +۳۳ ۶۲۰۵۱۴۱۱۲

فاکس: +۴۹ ۲۲۴۱۳۱۰۲۱۷

بها معادل: ۱/۵ یورو

Long Live May Day



ILN Photo Hamid Saedi